

تاثیر داوری در حل و فصل اختلافات بیمه ای و محدودیت های آن

شیوا عربی

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

چکیده

مسئله و جایگاه داوری در بیمه یکی از اساسی ترین موضوعات بیمه می باشد. در بیمه نامه ها مستقیماً به مفهوم داوری اشاره نشده است ولی جمله ای تحت عنوان «معرفی کارشناس» از سوی هریک از طرفین در قرارداد ذکر می شود که منظور از کارشناس همان داوری در پرونده های بیمه می باشد. نقش اصلی داوری در قرارداد بیمه، حل اختلاف میان بیمه گر و بیمه گذار است. در برخی موارد بیمه گذار باعث بروز اختلاف می شود و در مواردی دیگر بیمه گر به جهت عدم ایفای تعهد خود، عامل اصلی بروز اختلافات نیز می شود. در واقع در قرارداد بیمه هریک از طرفین وظایف مشخصی دارند و در صورتی که یکی از طرفین تعهد خود را به خوبی انجام ندهد، طرف دیگر می تواند عدم انجام تعهد وی را از مراجع صلاحیت دار پیگیری کند. داور ابتدا مفاد و موارد مندرج در بیمه نامه و اسناد و مدارک را به طور دقیق بررسی می کند. بعد از بررسی اسناد و مدارک از محل خسارت بازدید کرده و دفاعیات بیمه گزار و بیمه گر را مورد بررسی قرار می دهد. چنانچه بیمه نامه برخلاف اصول و مقررات قرارداد نویسی بین بیمه گر و بیمه گذار منعقد شده باشد، اثر حقوقی و قانونی نخواهد داشت و طرفین دوباره باید اقدام به تنظیم قرارداد بیمه نمایند. طرفین دعوا باید فردی را به عنوان داور انتخاب نمایند که صلاحیت رسیدگی به پرونده های بیمه را داشته و متخصص در امور بیمه باشد. در نوشتار حاضر به روش توصیفی-تحلیلی به تاثیر داوری در حل و فصل اختلافات بیمه ای و محدودیت های آن پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: داوری، بیمه، دعوی بیمه، جبران خسارت.

مقدمه

داوری یکی از مهمترین راهکارهای سرعت بخشیدن به حل و فصل اختلافات حقوقی افراد، ایجاد نظم عمومی، حقوقی و کاهش بار محاکم قضایی است. داوری یک نوع دادرسی اختصاصی به شمار می‌رود. ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی مدنی اختلافات حقوقی می‌گوید: «داوران در رسیدگی و رای، تابع مقررات آیین دادرسی نیستند اما باید مقررات مربوط به داوری را رعایت کنند». مقررات داوری در قرارداد داوری که مابین طرفین منعقد شده است، مشخص می‌شود. در نهایت اگرچه رای داور باید مبتنی بر موازین حقوقی باشد اما چون شان اصلی داور، فصل دعوی با توجه به قرارداد داوری است بنابراین رای داور تنها در مواقع محدودی که در ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی بیان شده، قابل اعتراض است و نمی‌توان آن را با آرای صادره از سوی مراجع قضایی که تقریباً در تمامی موارد قابل اعتراض و تجدید نظرخواهی هستند، مقایسه کرد.

نهاد داوری اساساً یک توافق در ایجاد عدالت خصوصی از طریق یک مرجع غیردولتی است، از آنجایی که بیشتر مردم اولین راه‌حلی که در این موارد به ذهنشان می‌رسد همان روش متداول مراجعه به مراجع صالح قضایی است که متأسفانه در این میان با تحمیل هزینه‌های گزاف فرایند طولانی و قوانین دست و پاگیر و گسترده‌ای روبه‌رو می‌شوند، این در حالی است که فلسفه‌ی اصلی حقوق بر مبنای اراده‌ی طرفین است و قانون‌گذار باید اراده‌ی واقعی طرفین را آشکار سازد درحالی که مطمئناً هیچ‌کدام از طرفین باطناً راضی به قرارگیری در جریان رسیدگی طولانی قضایی دادگستری نیستند و یقیناً اگر از نهاد داوری و فواید آن که مبتنی بر اصل حاکمیت اراده است آگاه باشند به‌ندرت در یک سری موارد که داوری در آن‌ها مجاز است، به دادگستری مراجعه خواهند نمود در این بین در مجموعه قوانین کشور از گذشته‌های دور موضوع داوری دارای اهمیت خاصی بوده و در ماده ۶ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ به‌عنوان قاضی تحکیم از آن نام‌برده شده، مراد از قاضی تحکیم کسی است که رضایت دارد تا از جانب شخص یا اشخاص در دعاوی یا دعاوی معین که او در آن دخالت دارد، داوری کند، در باب هفتم قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ بنا بر اهمیت و گستردگی بیش از ۵۰ ماده یعنی بیشتر از تمام موضوعات دیگر به آن اختصاص داده شده و قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ نیز به مقررات داوری اختصاص پیدا کرده است. از عرف موجود، قوانین عام و حتی اساسنامه شرکت‌های بیمه نیز می‌توان وجود این نهاد را که در ضمن شرایط کلیه بیمه‌نامه‌ها به‌عنوان یک شرط ضمنی لازم‌الاجرا وجود دارد، احراز کرد بدین سبب استفاده از نهاد داوری در این صنعت اهمیت خاصی به خود گرفته است.

بر اساس اصل داوری که یکی از اصول اساسی بیمه نیز می‌باشد همان‌گونه که بیمه‌گذار و بیمه‌گر بر اساس اصل حسن نیت قرارداد بیمه را منعقد نمودند شایسته است اختلاف پیش‌آمده نیز به طریق مسالمت‌آمیز و دوستانه حل‌وفصل گردد. در قراردادهای بیمه ماده‌ای به این اصل اختصاص یافته است لذا واجب است هرگونه اختلاف بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار، به‌ویژه از نظر فنی، در مرحله نخست از طریق توافق و سازش انجام گیرد، مواردی همچون، توسعه و پیشرفت بیمه گری، گستردگی حواشی، پیچیدگی و مراحل طاقت‌فرسای رسیدگی قضایی همچنین لطمه به اعتبار حرفه‌ای و حسن شهرت شرکت‌های بیمه باعث شده آن‌ها نیز از این روش حل اختلاف روی‌گردان شوند در عمل نیز این امر در بین بیشتر بیمه‌گذاران نیز باعث بروز پدیده بیمه گریزی گشته است چه‌بسا پرونده‌هایی موجود است که بعد از چندین سال همچنان بدون نتیجه مانده است حتی در شرایطی تأخیر در پرداخت خسارت باعث شده در سرنوشت زیان‌دیده خسارات جبران‌ناپذیری به وجود بیاید. این مهم حتی بیشتر به این مسئله دامن زده است که شرکت‌های بیمه در زمان دریافت حق بیمه و در زمان پرداخت خسارت برخوردهایی مجزا دارند. اصولاً نیز پرونده‌های بیمه‌ای به مراجعی ارجاع داده می‌شوند که از تخصص بیمه‌ای برخوردار نبوده و نهایتاً نتیجه مطلوبی عاید نمی‌شود چون قاضی هم موضوع بیمه را به کارشناس ارجاع می‌دهد، علیرغم اینکه داوری اصل بیمه‌ای است و اهمیت فراوان دارد لیکن شرط داوری مندرج در قرارداد بیمه بین طرفین الزام‌آور نگردیده است و طرفین تنها به ارجاع اختلاف به داور و حل مسالمت‌آمیز اختلاف از طریق داوری ارشاد شده‌اند، از بعد حقوقی اصل حسن نیت در قرارداد بیمه‌نامه باید به‌صورت دوجانبه رعایت گردد (هرچند عرف بیمه رعایت آن را مختص بیمه‌گزار می‌داند) لذا لزوم حمایت از حقوق دو جنبه طرفین قرارداد، بیمه‌گر و علی‌الخصوص بیمه‌گذاران، بدین جهت که علم کامل و جامعی به شرایط و مقررات پیچیده بیمه‌نامه از طرف آن‌ها وجود ندارد، همچنین صدور بیمه‌نامه و رسیدگی به خسارات با ابتکار عمل بیمه‌گران است، لازم است منبع تفسیر و حل اختلاف درج‌های

مورد ابهام معین گردد هرچند آیین نامه بیمه ۸۵ برای اولین بار ارزیابان خسارت مستقل را در ماده ۱۲ خود به عنوان یک شخصیت حقوقی مستقل معرفی کرده است. در نوشتار حاضر، تاثیر داوری در حل و فصل اختلافات بیمه ای و محدودیت های آن مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

مبحث اول: داوری در حل و فصل اختلافات بیمه

با توجه به اهمیت جایگاه داوری در حل و فصل اختلافات و تشویق افراد جامعه در مراجعه به داوری، ضرورت دارد آن چه به عنوان یکی از اهداف طرفین اختلاف که به جای مراجعه به دادگستری به داوری پناه می آورند و آن همانا رهایی از اطاله دادرسی دولتی (دادگستری) است در عمل نیز محقق می گردد و تحقق آن جز با تبیین فن داوری و سازوکارهای آن امکان پذیر نیست.^۱ گسترش قواعد مربوط به داوری و تعدد دعاوی در زمینه اختلافات بیمه های سبب شده تا لزوم پذیرش داوری در این عرصه بیش از پیش احساس شود. پذیرش اصل کلی قابلیت داوری دعاوی مختلف به رغم هم ممنوعیت ها و محدودیت های پیش رو، نگرش پذیرش داوری در دعاوی بیمه را تقویت می کند. ایجاد روابط بیمه ای اگر چه راه جبران خسارت را آسان کرده، اما طرح ادعاهای جدید در روابط بین طرفین با یکدیگر و با بیمه گر زمینه طرح دعاوی مرتبط با این نهاد را در محاکم دادگستری فراهم کرده که میزان این دعاوی قابل توجه است؛ بنابراین اتخاذ تدابیری برای کاهش دعاوی مطروحه در محاکم ضروری است تا علاوه بر جبران خسارت بدون دغدغه طرفین، حل اختلافات نیز در محیطی آرام و دور از تشریفات طولانی به عمل آید و از بروز مشکلات مضاعف جلوگیری شود.^۲ در این مبحث داوری در حل و فصل اختلافات بیمه مورد توجه قرار گرفته و بیان می گردد.

گفتار اول: ضرورت وجود داوری در صنعت بیمه

هرچند داوری از جمله نهادهای ریشه دار در جامعه ایران است اما در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ تعریف نشده و صرفاً شرایط انجام، احکام و جنبه های بی اعتباری آن مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است؛ در مقابل ماده ۱ قانون داوری تجاری بین المللی مصوب ۱۳۷۶ داوری را چنین تعریف کرده است: «داوری عبارت است از رفع اختلاف بین متداعیین در خارج از دادگاه به وسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی الطرفین و یا انتصابی».

دعاوی بیمه ای معمولاً دارای جنبه تخصصی بنده و حل و فصل آنها مستلزم داشتن تخصص لازم و آگاهی به عرف های بازرگانی است. از آنجا که قضات دادگاه ها متخصص در امور حقوقی بوده و به مسائل متنوع بیمه ای آگاهی کمتری دارند بدیهی است که نمی توانند رسیدگی دقیقی در زمینه مسائل تخصصی بیمه ای داشته باشند. این در حالی است که در شیوه های جایگزین، شخص ثالث از بین متخصصین در موضوع مورد اختلاف انتخاب می شوند. لذا انتظار می رود که رسیدگی دقیق تر و مطلوب تری را نسبت به قضات ارائه دهند.

با تشکیل شرکت های بیمه خصوصی و رقابت این شرکت ها برای جلب رضایت مشتریان خود چند سالی است که مشاهده می شود حرکات مثبتی برای ارتقا و توسعه مکانیزم های حل اختلاف خارج از دادگاه در صنعت بیمه کشور و تقاضا برای تشکیل نهادهای تخصصی از طرف بیمه های خصوصی در حال انجام است. بررسی عمومی شرایط بیمه نامه ها موید آن است که نهاد خاصی برای ارجاع اختلافات در این خصوص ضروری است.

اختلاف در روابط بیمه گذار، بیمه شده، صاحب حقوق بیمه ای و بیمه گر، در عرصه صنعت بیمه، به دلیل گردش قابل توجه مالی و حجم بالای دعاوی مستقیم یا غیرمستقیم، امری محتمل است. شرکتهای بیمه در اغلب موارد با ایفای تعهد، بر اساس شرایط مقرر، زمینه هر اختلافی را منتفی می کنند اما در موارد باقی مانده، باید راه آسان و قابل اعتمادی برای حل اختلاف وجود داشته باشد. اقامه دعا در مراجع عمومی، همیشه ممکن و البته، پردردسر است؛ هزینه قابل توجه که گاه از توان زیان دیدگان حوادث خارج است، اطاله امر و نگرش غیرتخصصی، از جمله معضلات محسوب می شود. مدتی است در قراردادهای بیمه، به ویژه شرکتهای غیردولتی، شرط

^۱ اسدی نژاد، سید محمد، «شروع به داوری»، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۲۴، تابستان ۱۳۹۴ ص ۳۱

^۲ معبودی نیشابوری، محمد رضا، «داوری پذیری دعاوی بیمه با رویکرد به قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل

نقلیه مصوب ۱۳۹۵ فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و هشتم، شماره یکصد و ششم، تابستان ۱۴۰۰ ص ۳۱۰

«داوری» پیش بینی می شود و هرچند گاهی سیاق عبارت و شرایط آن، از قواعد و اصول حقوق داوری به دور است و خود زمینه ساز اختلاف می شود؛ اما راهی قابل تأیید است و باید با حذف موانع حقوقی، به تقویت آن همت نهاد. متأسفانه مقنن، تاکنون و به طور عام، راه قانونی مناسبی در قالب داوری، پیش بینی نکرده و در مقابل با وضع نهادهای نامشخص، سبب ابهام در این زمینه شده است که توصیه می شود با تجدیدنظر در این موارد، نهاد حقوقی داوری را به بهترین شیوه، جایگزین حل و فصل اختلاف قضایی کند.^۱

گفتار دوم: مزایا و معایب پذیرش اصل داوری پذیری دعاوی بیمه

پذیرش قاعده داور ی پذیری دعاوی بیمه ای در نظام های حقوقی قابل قبول است، به طوری که گفته شده داوری از مدت ها قبل برای حل انواع اختلافات ناشی از سیاست های بیمه ای به کار می رفته است. این اختلافات می تواند شامل اختلافات بین شرکت های بیمه گر و بیمه کنندگان، بین دو یا چند شرکت بیمه برای مسئولیت مازاد یا بین شخص ثالث و شرکت بیمه برای بازپرداخت خسارات باشد. همچنین صدمات اشخاص، قصور پزشکی و خسارات وارد به اموال از موارد متعددی است که می تواند در مقوله اختلافات بیمه ای قرار گیرد که قابل ارجاع به داوری است. داوری در هر دعوایی قطعاً با معایب و مزایایی همراه است، اما ارجح بودن مزایا در مقابل معایب است که توجیه کننده پذیرش داوری خواهد بود، در غیر این صورت روی آوردن به نهادی که معایب آن از منافعش بیشتر است، توجیه عقلی و منطقی ندارد. در روابط بیمه ای نیز بنا به جهاتی که بیان شد، مزیت طرفین در استفاده از داوری بسیار چشمگیر است و با این مبانی باید استفاده از این نهاد را به مصلحت دانست، ولی صرف وجود منافع در داوری، مجوز استفاده از آن نیست و ممنوعیت ها و محدودیت های داوری نیز باید در این زمینه بررسی شود. سکوت قانونگذار در پذیرش داوری دعاوی بیمه نمی تواند اصل کلی داوری پذیری دعاوی را محدود یا مخدوش کند. بررسی ممنوعیت ها و محدودیت ها همه نشان از عدم منع صریح داور ی پذیری دعاوی بیمه ای داشته و نظم عمومی نیز مانعی برای آن تلقی نمی شود. بنابراین علاوه بر وجود دیدگاه به مجاز بودن داوری پذیری در این دعاوی، با توجه به اهداف و فلسفه وضع قواعد داوری، باید زمینه ای فراهم شود که علاوه بر تجویز داوری در این زمینه، سازوکارهای ضروری در این باره پیش بینی شود تا سرعت و تخصص در رسیدگی تضمین و حقوق آمره مربوط به قواعد جزایی و بیمه ای تضمین شود.^۲

بند اول: معایب ارجاع دعاوی بیمه به داوری

داوری نیز همانند هر نهاد دیگری علاوه بر داشتن مزایای بدیهی، معایبی را به همراه دارد. حل اختلافات از طریق داوری آثار مستقیم و غیرمستقیمی نسبت به طرفین اختلاف و آحاد جامعه دارد. دعاوی مربوط به بیمه نیز از این قاعده مستثنا نیست. پایان دادن نزاع بدون مراجعه به محکمه با اقبال بیشتری مواجه است، اما وجود برخی خصیصه ها و نبود ضمانت اجرای کافی در برخی جنبه ها از اهمیت داوری کاسته است. در این قسمت به بررسی برخی از نقاط ضعف داوری در زمینه دعاوی بیمه پرداخته می شود.

الف - تشریفات مربوط به انتخاب داور

یکی از نقاط ضعف داوری تشریفات مربوط به انتخاب داور است. انتخاب داور در قانون آیین دادرسی مدنی به صورت هیئتی مرکب از داوران اختصاصی و سر داور مرضی الطرفین در نظر گرفته شده است. در صورت توافق در انتخاب هیئت داوری، غالباً فرایند داوری توأم با اطاله نیست اما در صورت عدم تراضی، روند انتخاب داور خود به معضلی تبدیل می شود که فرایند داوری را به درازا می کشاند. این خصیصه سبب می شود تا نهاد داوری که به عنوان یک راهکار سریع برای حل و فصل اختلافات در نظر گرفته می شود، گاه از یک دادرسی قضایی نیز طولانی تر عمل کند. به عنوان مثال در صورت عدم انتخاب نام داوران در توافقنامه داوری و عدم تراضی در انتخاب هیئت داوری، وفق ماده ۴۵۹ قانون آیین دادرسی مدنی، ارسال اظهارنامه و تقاضا از دادگاه از تشریفات تعیین داور است و این فرایند خود ممکن است ماه ها به طول انجامد که با اهداف داوری که سرعت رسیدگی است، انطباق کامل ندارد. اطلاع رسیدگی داوری نیز ممکن است موجبات افزایش تعهدات طرفین را فراهم آورد. به عنوان مثال در صورت تحقق اختلاف بین شرکت بیمه و متقاضی خسارت، سرعت در رسیدگی نقش مهمی در جلوگیری از افزایش تعهدات بیمه گر دارد. معمولاً بیمه گران اگر احساس کنند که دعوا به صورت مشکوک جریان یافته تا آخرین امکان حقوقی از اجرای رأی امتناع می کنند و در این موارد اگر ادعای بیمه گر ثابت نشود

^۱ خدابخشی، عبدالله، «مفهوم و ماهیت شیوه های حل اختلاف موضوع قانون بیمه اجباری»، پژوهشنامه بیمه، سال سی و دوم، شماره ۴ زمستان ۱۳۹۶ ص ۸۶

^۲ معبودی نیشابوری، پیشین ص ۳۲۷

مسئول پرداخت ما به التفاوت دیه هم هستند.^۱ بنابراین اطلاع رسیدگی به جهت تشریفات، مسئولیت بیمه گر را از حیث افزایش نرخ دیه و سایر خسارات ناشی از تأخیر در پرداخت به دنبال خواهد داشت.^۲

ب- نبود شایستگی و کارشناسی برخی داوران

یکی دیگر از معایب داوری، نبود شایستگی و کارشناسی برخی داوران است و گاهی اوقات تصمیمات آنان چیزی جز ارائه یک راه حل مسالم تأمین نیست و راه حل قاطعی ارائه نمی شود. استفاده از افراد نا کارآمد در جهت حل اختلاف نه تنها راه گشای طرفین نیست، بلکه گاهی بر اختلافات آنان افزوده و اختلافات جدیدی ایجاد می کند و مشقت ابطال رأی داور را هم بر عهده طرفین می گذارد.

ج- عدم تأثیر داوری در حق شخص ثالث

داوری در دعوای بیمه به جهت وجود حقوق شخص ثالث، تأثیر بسزایی ندارد و عملیات اجرایی آن با مانع مواجه است. طبق قاعده کلی اثر توافق در رابطه با اشخاص ثالث مؤثر نیست و محدود به کسانی می شود که در بستن پیمان دخالت داشته اند.^۳ سازش بین طرفین دعوای اصلی که به میزانی بیشتر یا کمتر از حق اصلی منجر شود یا سازش آنان به میزانی غیر از میزان واقعی مسئولیت، در حق شخص ثالث تأثیری ندارد؛ چرا که سازش طرفین یا تصمیم داور نمی تواند موجب تحمیل تعهدات غیر قراردادی بر بیمه گر یا زیان دیده شود. از این رو گفته می شود ارجاع دعوا به داوری تأثیر چندانی ندارد و توافق بین زیان دیده و مسئول حادثه یا صدور رأی داور بین آنها، بر تعهدات بیمه گر اضافه نمی کند و داوری بین بیمه گر و مسئول حادثه نیز در حق زیان دیده تأثیری ندارد.

د- عدم دخالت بیمه گر در فرایند داوری

بر اساس نظر بسیاری از حقوقدانان، طرح دعوای مسئولیت علیه مقصر حادثه این امکان را به مدعی می دهد تا بیمه گر را به جهت وجود رابطه قراردادی و نفعی که از قبل اجرای تعهدات بیمه گر به نفع خود حاصل می کند، به دعوا جلب کند.^۴ همچنین این حق را می توان برای مسئول حادثه که بیمه گذار تلقی می شود قائل شد. با این وصف رأی دادگاه به طور مستقیم نسبت به بیمه گر قابلیت اجرایی دارد و بیمه گر نمی تواند از اجرای تعهدات خود استنکاف کند، اما در داوری چنین امکانی فراهم نیست و شرط ورود یا جلب بیمه گر به فرایند داوری، توافقنامه داوری است که می تواند به صورت شرط ضمن عقد یا قرارداد مستقل باشد. عدم دخالت بیمه گر در فرایند داوری اختلاف بین مسئول حادثه و زیان دیده، موجب عدم قابلیت اجرای رأی داور نسبت به وی می شود؛ چرا که رأی داوری در رابطه با حل اختلاف بین طرفین داوری است و بیمه گر را به اجرای مستقیم مکلف نمی کند و مشکلی که در قسمت قبل بیان شد دوباره مطرح می شود.^۵

بند دوم: مزایای ارجاع دعوای بیمه ای به داوری

مزایای ارجاع دعوای به داوری غیر قابل انکار است و قواعد مربوط به داوری و داوری پذیری روز به روز در حال گسترش است. تحول نهاد و قواعد داوری به سمت حذف موانع داوری در حرکت است.^۶ و علت این امر را باید در وجود منافع حاصل از داوری دانست. در بیان مزایای ارجاع دعوای بیمه ای به داوری می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف- اطلاع دادرسی و ازدحام پرونده های قضایی

طولانی شدن غیر قانونی و غیر منطقی فرایند رسیدگی به امر یا دعوا در مرجع قضایی، از مقطع شروع دعوا تا صدور رأی قاطع را اطلاع دادرسی می گویند. سرعت در احقاق حق، یکی از شاخص های ارزیابی عدالت است. سرعت در دادرسی، از چنان اهمیتی برخوردار است که آن را یکی اصول مسلم دادرسی دانسته اند؛ به گونه ای که توافق خلاف آن، جز در موارد استثنایی ممنوع است.^۷

^۱ خدابخشی، عبدالله، حقوق داوری و دعوای مربوط به آن در رویه قضایی، تهران، شرکت سهامی انتشار ۱۳۹۷ ص ۳۱۰

^۲ معبودی نیشابوری، پیشین ص ۳۱۸

^۳ صفایی، سیدحسین، قواعد عمومی قراردادهای، تهران، میزان، ۱۳۸۷ ص ۱۶۶

^۴ کاتوزیان، ناصر و محسن ایزانلو، الزام های خارج از قرارداد مسئولیت مدنی، بیمه مسئولیت تهران، گنج دانش. ۱۳۹۷ ص ۲۸۸

^۵ معبودی نیشابوری، پیشین ص ۳۱۹

^۶ خدابخشی، عبدالله، حقوق بیمه و مسئولیت مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار ۱۳۹۶ ص ۴۵۲

^۷ ماده ی ۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی: «دادگاه میتواند جلسه ی دادرسی را به درخواست و رضایت اصحاب دعوا فقط برای یک بار به تأخیر اندازد».

«سرعت» به معنای «عجله و شتاب زدگی» نیست، بلکه به معنای حرکت بدون وقفه ی دادرسی در کمترین زمان، همگام با اصول دادرسی می باشد، ولی عجله، حرکت فوری و به ظاهر مفید، اما خلاف اصول دادرسی است که از آن، بار معنایی منفی خارج می شود. دیوان عالی کشور در رأی شماره ی 242 به تاریخ ۱۳۲۶/۱/۲۶ صادره از شعبه ی سوم آورده است: «با آن که عادتاً وقت هر جلسه، کمتر از نیم ساعت منظور نمی شود و حضور هر یک از طرفین و ارائه لایحه آن ها در تمام وقت مقرر پذیرفتنی است، بنابراین، با عدم حضور یکی از طرفین، صدور حکم یا قرار در اوایل وقت مقرر موقعیتی ندارد»^۱. اقدام به صدور حکم پیش از انقضای زمان دادرسی، اگر چه با هدف عدم تعلل است، ولی با توجه به این که از جمله حقوق اصحاب دعوا، استفاده از وقت دادرسی اختصاص یافته است، لذا صدور حکم پیش از اتمام وقت، سلب حق دفاع بوده و معارض با اصل تناظر است. از این رو چنین اقدامی، عجله محسوب می شود که پسندیده نیست.^۲

صرف نظر از آثار زیان بار اطاله ی دادرسی بر اصحاب دعوا و بیت المال، مهم ترین آثار اطاله ی دادرسی، سلب اطمینان مردم از حاکمیت و قانون گریزی است. از این رو، شناسایی علل اطاله اهمیت دارد: ۱- علل منتسب به قانون، اعم از شکلی و ماهوی؛

^۱ متین دفتری، احمد، مجموعه رویه قضایی - قسمت حقوقی، تهران، آثار اندیشه، چاپ نخست، ۱۳۸۱ ص ۲۲۸

^۲ دهقانی، حسین، «مدیریت زمان: تسریع در دادرسی»؛ فصلنامه تعالی حقوق، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۹۸ ص ۴



۲- علل منتسب به اشخاص، اعم از اصحاب دعوا یا مأموران دولتی مداخله کننده در دادرسی.^{۱۴}

یکی از مواردی که در شرایط کنونی موجب دادگاه گریزی افراد جامعه شده است، اطاله دادرسی و ازدحام پرونده های قضایی است که موجب شده صدور تصمیم دادگاه ها ماه ها و گاهی سال ها به طول انجامد. این اطاله آثاری بر طرفین پرونده دارد. به عنوان مثال در دعاوی بیمه ای، بالا رفتن قیمت کالاها و افزایش نرخ دیه در نتیجه عدم اجرای تعهدات بیمه گر و تن دادن به دادرسی برعهده بیمه گر قرار می گیرد و هر چقدر زمان آغاز دعوا تا پایان دادرسی کوتاه تر باشد، منافع بیشتر بیمه گر را به دنبال خواهد داشت. اگرچه مدت دادرسی باید با در نظر گرفتن عواملی همچون پیچیدگی پرونده، رفتار طرفین پرونده و ... سنجیده شود و گاه ممکن است فرایند داوری از دادرسی قضایی طولانی تر شود، ولی در مجموع نبود تشریفات دادرسی در فرایند داوری، زمینه صدور فوری رأی و زمان کمتر مدت داوری را فراهم می کند و علاوه بر جبران سریع تر خسارت زیان دیده و برائت مسئول حادثه، از افزایش تعهدات بیمه گر نیز جلوگیری خواهد شد.

همچنین گاهی وجود قواعد آیین دادرسی در خصوص تعیین اوقات و قواعد مربوط به صلاحیت دادگاه ها یا ارزیابی ادله موجب می شود که دادرسی به صورت غیرمنتظره مدت مدیدی تا نقطه پایان سپری کند، اما داوری مبتن بر اراده طرفین است و گرایش به رهایی ازسلطه دولت و مقررات دولتی دارد و در آیین دادرسی نیز تابع قانون حاکمیت اراده است.^{۱۵} بنابراین تصمیم در خصوص انتخاب فرایند داوری سریع یا مفصل قابل تعیین با طرفین است و آنان می توانند به داور اختیارات اضافه اعطا کنند یا از آن بکاهند یا با ترکیب روش هایی مسائلی که باعث اختلاف می شوند را محدود و پروسه تعیین حقایق را کارآمدتر کنند. بنابراین داوران در مدت معینی به مذاکره و مشاوره خود خاتمه و به صدور رأی مبادرت می ورزند و طبق ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی مدنی به رعایت تشریفات آیین دادرسی ملزم نیستند در نتیجه با سرعت مناسبی به دعوا رسیدگی می کنند.^{۱۶}

ب- تفاوت چشمگیر هزینه های دادرسی و داوری

تفاوت چشمگیر هزینه های دادرسی و داوری یکی دیگر از علل ترغیب به نهاد داوری است. طرح دعوا از ابتدا تا انتهای سیر رسیدگی همگام و هم مسیر با صرف هزینه دادرسی است.^{۱۷} راساس مدل اقتصادی دادرسی، خواهان در ارزش خالصی که از طرح دعوای خود برآورد می کند؛ احتمال پیروزی در دعوا و نتیجه ای که انتظار به دست آوردن آن را دارد لحاظ می کند.

ج- تفاوت هزینه هایی که خواهان در دادرسی متقبل می شود با هزینه های فرایند داوری

تفاوت هزینه هایی که خواهان در دادرسی متقبل می شود با هزینه های فرایند داوری، گرایش به داوری را بالا برده است. بر این اساس علاوه بر عدم تحمیل هزینه های دادرسی بر زیان دیده، بیمه گر و مسئول حادثه نیز منتفع می شوند؛ چرا که در صورت پیروزی خواهان در دادرسی، جبران هزینه ها و خسارات دادرسی در نهایت بر عهده مسئول حادثه و بیمه گر قرار می گیرد و متضمن بار مالی برای شرکتهای بیمه است؛ درحالی که هزینه داوری بر عهده طرفین بوده و امکان توافق درباره آن نیز وجود دارد.

گفتار سوم: پذیرش اصل داوری پذیری دعاوی بیمه

یکی دیگر از روش های حل و فصل اختلافات بیمه ای، داوری است. بدین صورت که جبران خسارت تعهد اساسی شرکتهای بیمه و رضایت بیمه گذاران، هدف غایی این شرکت هاست. شرکت های بیمه با قبول پیشنهاد بیمه گذاران و صدور بیمه نامه، جبران خسارت آن ها را به عهده می گیرند. لذا شرط موفقیت آنها، ارائه خدمات مناسب و به ویژه ایفاء به موقع و به نحو احسن تعهداتی است که پذیرفته اند و تصفیه مسالمت آمیز خسارت ها، مطلوب بیمه گران و بیمه گذاران است. هیچیک از طرفین تمایلی به مراجعه به دادگستری و طی طرق قضایی ندارد. طرح دعاوی متعدد علیه بیمه گر به کیفیت و شهرت کار او لطمه میزند. بیمه گذار نیز خواهان آن

^{۱۴} دهقانی، حسین، علل اطاله دادرسی در دعاوی مدنی و راه های پیشگیری از آن، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳ص ۳۴

^{۱۵} صفایی، سید حسین، سخنی چند درباره نوآور یها و نارسای یهای قانون داوری تجاری بین المللی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره

صفر، شماره پیاپی ۱۰۵۰ تابستان ۱۳۷۷ص ۲۲

^{۱۶} بهبهانی، محمد رحیم، « جایگاه نهاد داوری در حقوق ایران با رویکرد فقهی»، مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال ۹، ش ۱۸ تابستان ۱۳۹۵ص ۱۱

^{۱۷} پوراستاد، مجید و فاطمه حصار خانی « تحلیل اقتصادی فرایند دادرسی مدنی براساس هزینه ها»، تحقیقات آزاد حقوقی، دوره ۸، ش ۲۸ زمستان ۱۳۹۴ص ۶۱

است که با دریافت هرچه سریعتر خسارت، به وضعیت عادی و قبلی خویش بازگردد و از شرایط سختی که بر اثر تحقق خطر بر او تحمیل شده است، هرچه سریعتر رهایی یابد، لذا معمولاً بیمه گران برای کاهش حجم مراجعات بیمه گذاران به دادگاه ها، در قراردادهای بیمه شرط مصالحه و سازش و ارجاع دعاوی به داوری را درج می نمایند و نظر داوران را قطعی و غیرقابل اعتراض تلقی می کنند.^{۱۸}

شیوه های جایگزین حل و فصل اختلاف که از جمله شامل سازش، میانجی گری و ارزیابی کارشناسانه هستند با داوری تفاوت های اساسی دارند.^{۱۹} داوری و شیوه های مذکور، حداقل در لزوم توافق طرفین برای مراجعه به آنها، مشترک هستند اما تفاوتها، قابل است. مهم ترین تفاوت، در این است که توافق مربوط به داوری، هم در مرحله ارجاع موضوع به داوری و هم بعد از اتخاذ تصمیم از سوی داور یا داوران، لازم الاتباع است و بنابراین طرفین نمی توانند قرارداد یا شرط داوری را نادیده گرفته و به دادگاه مراجعه مستقیم داشته باشند اما در مورد شیوه های جایگزین، از آنجا که «مهم ترین شرط تأثیر و موفقیت و در عین حال مهم ترین نقص و ضعف روشهای ای.دی.آر. را در لزوم قصد صادقانه طرفین، برای حل و فصل دوستانه اختلاف و حسن نیت و اعتماد متقابل»^{۲۰} می دانند؛ بنابراین، تنها، درروابطی که رفتار طرفین، قابلیت حل اختلاف را در فضای همکاری و نه تقابل ممکن می سازد، می توان به این شیوه ها متوسل شد و بدیهی است هیچ الزام حقوقی نیز نخواهند داشت زیرا همکاری طرفین، برای روشن ساختن موضوع و نه اعطای فرصتی برای قضاوت خصوصی و الزام آور است.^{۲۱}

پذیرش قاعده داوری پذیری دعاوی بیمه ای در نظام های حقوقی قابل قبول است، به طوری که گفته شده داوری از مدت ها قبل برای حل انواع اختلافات ناشی از سیاست های بیمه ای به کار می رفته است. این اختلافات می تواند شامل اختلافات بین شرکت های بیمه هگر و بیمه کنندگان، بین دو یا چند شرکت بیمه برای مسئولیت مازاد یا بین شخص ثالث و شرکت بیمه برای بازپرداخت خسارات باشد. همچنین صدمات اشخاص، قصور پزشکی و خسارات وارد به اموال از موارد متعددی است که می تواند در مقوله اختلافات بیمه ای قرار گیرد که قابل ارجاع به داوری است.

داوری در هر دعوایی قطعاً با معایب و مزایایی همراه است، اما ارجح بودن مزایا در مقابل معایب است که توجیه کننده پذیرش داوری خواهد بود، در غیر این صورت روی آوردن به نهادی که معایب آن از منافعش بیشتر است، توجیه عقلی و منطقی ندارد. در روابط بیمه ای نیز بنا به جهاتی که بیان شد، مزیت طرفین در استفاده از داوری بسیار چشمگیر است و با این مبانی باید استفاده از این نهاد را به مصلحت دانست، ولی صرف وجود منافع در داوری، مجوز استفاده از آن نیست و ممنوعیت ها و محدودیت های داوری نیز باید در این زمینه بررسی شود. سکوت قانونگذار در پذیرش داوری دعاوی بیمه نمی تواند اصل کلی داور پذیری دعاوی را محدود یا مخدوش کند. بررسی ممنوعیت ها و محدودیت ها همه نشان از عدم منع صریح داوری پذیری دعاوی بیمه ای داشته و نظم عمومی نیز مانعی برای آن تلقی نمی شود. بنابراین علاوه بر وجود دیدگاه به مجاز بودن داوری پذیری در این دعاوی، با توجه به اهداف و فلسفه وضع قواعد داوری، باید زمینه ای فراهم شود که علاوه بر تجویز داوری در این زمینه، سازوکارهای ضروری در این باره پیش بینی شود تا سرعت و تخصص در رسیدگی تضمین و حقوق آمره مربوط به قواعد جزایی و بیمه ای تضمین شود.^{۲۲}

مبحث دوم: شیوه های ارجاع اختلافات بیمه به داوری

اختلاف در روابط بیمه گذار، بیمه شده، صاحب حقوق بیمه ای و بیمه گر، در عرصه صنعت بیمه، به دلیل گردش قابل توجه مالی و حجم بالای دعاوی مستقیم یا غیرمستقیم، امری محتمل است. شرکتهای بیمه در اغلب موارد با ایفای تعهد، بر اساس شرایط مقرر،

^{۱۸} نصیرپور، اشرف، «تحلیل روش های حل و فصل اختلافات در قراردادهای بیمه حمل و نقل دریایی داخلی و بین المللی»، فصلنامه علمی - حقوقی قانون بار - دوره دوم - شماره هفتم - پاییز ۱۳۹۷ ص ۱۷۷

^{۱۹} درویشی هویدا، یاسر، شیوه های جایگزین حل و فصل اختلاف تهران: نشر میزان، ۱۳۸۱ ص ۱۲۱

^{۲۰} جنیدی، لعیا، قانون حاکم در داوریهای تجاری بین المللی تهران: نشر دادگستر، چاپ ۱۳۷۶ ص ۳۲

^{۲۱} خدابخشی، عبدالله، «مفهوم و ماهیت شیوه های حل اختلاف موضوع قانون بیمه اجباری»، پژوهشنامه بیمه / سال سی و دوم / شماره ۴ / زمستان ۱۳۹۶ ص ۹۰

^{۲۲} معبودی نیشابوری، رضا، «داوری پذیری دعاوی بیمه با رویکرد به قانون» بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و هشتم، شماره یکصدوششم، تابستان ۱۴۰۰ ص ۲۲۷

زمینه هر اختلافی را منتفی می کنند اما در موارد باقی مانده، باید راه آسان و قابل اعتمادی برای حل اختلاف وجود داشته باشد. اقامه دعوا در مراجع عمومی، همیشه ممکن و البته، پردردسر است! هزینه قابل توجه که گاه از توان زبان دیدگان حوادث خارج است، اطاله امر و نگرش غیرتخصصی، از جمله معضلات محسوب می شود. مدتی است در قراردادهای بیمه، به ویژه شرکت‌های غیردولتی، شرط «داوری» پیش بینی می شود و هرچند گاهی سیاق عبارت و شرایط آن، از قواعد و اصول حقوق داوری به دور است و خود زمینه ساز اختلاف می شود؛ اما راهی قابل تأیید است و باید با حذف موانع حقوقی، به تقویت آن همت نهاد. متأسفانه مقنن، تاکنون و به طور عام، راه قانونی مناسبی در قالب داوری، پیش بینی نکرده و در مقابل با وضع نهادهای نامشخص، سبب ابهام در این زمینه شده است که توصیه می شود با تجدیدنظر در این موارد، نهاد حقوقی داوری را به بهترین شیوه، جایگزین حل و فصل اختلاف قضایی کند.

گفتار اول: داوری دعاوی بیمه در شورای حل اختلاف

صلاحیت عبارت است از توانایی و شایستگی قانونی شورای حل اختلاف برای رسیدگی به دعاوی و اختلافات و حل و فصل آنها. صلاحیت شورای حل اختلاف در ایجاد صلح و سازش به طرفین، با توجه به بند «الف» ماده ۸ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴ که بیان داشته است: «کلیه امور مدنی و حقوقی، با توجه به این امر که دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم دعوی حقوقی است، در نتیجه قابلیت اقامه در شورا را خواهد داشت. قانون گذار سعی نموده است که به بیان مختلف سازش در دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم را در صلاحیت شورا قرار دهد. طبق قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷ و چه مطابق قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴، شوراهای حل اختلاف در کلیه امور حقوقی و مدنی می توانند اقدام به حصول صلح و سازش نمایند.^{۲۳}

با توجه به خصوصیات دعاوی بیمه ای به شرح فوق و ویژگی های شوراهای حل اختلاف، به نظر می رسد که تشکیل شوراهای حل اختلاف می توانند به عنوان داور مرضی الطرفین به موضوع رسیدگی نمایند. درج شرط ارجاع اختلافات به داوری شورای حل اختلاف در شرایط عمومی قراردادهای بیمه می تواند مشکلات موجود را تا حدود زیادی برطرف نماید. در این شوراها می توان از افراد متخصص و کارشناس در زمینه مسایل بیمه ای استفاده کرد. البته توجه به این نکته نیز لازم است که تشکیل شوراهای حل اختلاف ویژه رسیدگی به دعاوی بیمه ای باید به نحوی باشد که مانع تصفیه مسالمت آمیز خسارت ها و موجب تشویق بیمه گذاران به طرح دعاوی بی اساس علیه بیمه گران نشود.^{۲۴}

شورای حل اختلاف به نحوی دو مأموریت را ایفا می کند. مأموریت اول و رسالت اولیه شورای حل اختلاف این است که دعوا را با صلح و سازش خاتمه دهد و تلاش کند در فرآیند منازعه و اختلاف، مصالحه و سازش حاصل شود. مأموریت دوم که قانونگذار پیش بینی کرده است و شورای حل اختلاف تا حد نصاب مشخص می تواند حکم صادر کند؛ این در حالی است که دادگاه تا آن میزان نصاب صلاحیت رسیدگی ندارد و ما اگر به دادگاه عمومی مراجعه کنیم، صلاحیت رسیدگی را ندارد و بلافاصله پرونده را به شورای حل اختلاف به عنوان یک مرجع صلاحیت دار ارجاع می دهد.^{۲۵}

طرح پیشنهادی و ابتکاری در خصوص رسیدگی به پرونده های تصادفات رانندگی در شورای حل اختلاف که از سوی دادستانی کل کشور برای اجرا به دادستان های عمومی و انقلاب مراکز استان ها ابلاغ شده است، قضا دایمی، کاهش پرونده های دادگستری، سرعت بخشیدن به کار و جلوگیری از اطاله دادرسی را مورد توجه دارد. در این طرح، بخش زیادی از پرونده های تصادفات بدون تشریفات قضایی به شورای حل اختلاف تخصصی تصادفات ارجاع می شود و بدون سپری کردن مراحل قضایی چهارگانه تحقیق، صدور رأی، تجدیدنظر و اجرای احکام کیفری، برای اخذ نظریه کارشناسی و نظریه پزشکی قانونی، تعیین دپه، پرداخت بیمه و اخذ رضایت به جهت جنبه خصوصی در شورای حل اختلاف اقدامات لازم صورت می گیرد. تسریع در رسیدگی و پرداخت دپه مصدومین؛ تکریم ارباب رجوع و توسعه حمایت از زبان دیدگان حوادث رانندگی، کاهش میزان مراجعات مردمی به دستگاه قضا، کاهش ورودی پرونده های دادرسی، استفاده بهینه از نیروهای

^{۲۳} هرمزی، خیراله، «صلاحیت شوراهای حل اختلاف در خصوص رسیدگی به دعاوی ضرر و زیان ناشی از جرم»، فصلنامه تحقیقات حقوقی شماره ۹۲، تابستان

۱۳۹۸ ص ۱۰۷

^{۲۴} نصیرپور، پیشین ص ۱۷۶

اداری و قضایی دادسرا و استفاده از ظرفیت آزاد شده در رسیدگی به پرونده‌های مهم، ورود شرکت‌های بیمه از بدو وقوع تصادف در روند رسیدگی به پرونده، استفاده از ظرفیت مصالحه شورای حل اختلاف را از مزایای اجرای این طرح است.^{۲۶} جز در مورد بیمه‌های دولتی، دعاوی تا مبلغ 20 میلیون تومان در صلاحیت شوراهای حل اختلاف است و اگر خواسته دعوا بیشتر از این مبلغ باشد، به دادگاه مدنی ارجاع می‌شود. البته در دعاوی مربوط به خسارات مالی و جبران زیان وارده به وسیله نقلیه، برحسب ماده 17 قانون اصلاح قانون بیمه اجباری دارنده‌گاه وسایل نقلیه موتوری... (۱۳۸۷) کمیسیون پیش‌بینی شده است ولی به دلیل عدم تشکیل آن در برخی حوزه‌های قضایی، این دعاوی نیز در دادگستری متمرکز شده و رسیدگی می‌شوند.^{۲۷}

گفتار دوم: حل و فصل اختلافات در شرایط عمومی بیمه نامه‌های داخلی

در شرایط عمومی بسیاری از بیمه‌نامه‌ها به اصلی اشاره شده است که ناجی بیمه‌گذاران در مقابل یک تازی بیمه‌گران در شیوه ارزیابی و تحلیل خسارتها است. این اصل مسلم که اقتباسی از نهادی به نام داور در نظام حقوقی کامن لا است در فصل هفتم آئین دادرسی مدنی تلویحاً تحت عنوان «داوری» (مورد حمایت قانونگذار محترم قرار گرفته است. اگرچه در متن بیمه‌نامه‌ها به صراحت این نهاد حقوقی تعریف نشده است لیکن از عرف موجود، قوانین عام و حتی اساسنامه شرکت‌های بیمه می‌توان وجود این نهاد را در ضمن شرایط کلیه بیمه‌نامه‌ها به عنوان یک شرط ضمنی لازم الاجرا احراز کرد که با توجه به یکطرفه بودن مقررات ارزیابی خسارت، پیچیدگی شرایط بیمه‌نامه‌ها و اهمیت تسریع در جمع‌بندی و پرداخت خسارت برای زیان دیده، استفاده از نهاد داوری در این صنعت اهمیت خاصی به خود گرفته است. زیرا با دقت در انتخاب داوران و تنظیم قراردادهای صحیح داوری می‌توان از طرفی از خارج شدن رویه رسیدگی به خسارت از چهارچوب عدالت و مفاد قرارداد بیمه جلوگیری نمود و از طرف دیگر در حداقل زمان ممکن و با کمترین هزینه به نتیجه‌ای عادلانه دست یافت. ضمناً با ارجاع اختلاف به داوری می‌توان از مقررات تعارض قوانین ملی نیز که گاهی می‌تواند زیان‌دیده را کلاً از پیگیری خسارت عاجز نماید رهایی یافت. علی‌رغم بی‌توجهی صنعت بیمه ایران به گسترش و ترویج این اصل مهم، در کشورهای اروپائی که مبتکر صنعت بیمه می‌باشند هر چه پیشرفت بیشتری در این صنعت صورت می‌گیرد جایگاه داوری با تشکیل مدارس، کالجها، شرکتها و موسسات ارائه‌کننده خدمات داوری تثبیت می‌گردد تا جائیکه حتی در هنگام تنظیم بیمه‌نامه و قبل از بروز هرگونه اختلافی داور یا داوران مرضی الطرفین (اشخاص حقیقی یا حقوقی) باتعیین شرایط داوری تعیین می‌شوند.^{۲۸}

بند اول: شرایط عمومی بیمه نامه اعتبار صادرات کالا (آیین نامه شماره ۳۴)

در ماده ۲۰ بیمه‌نامه فوق عنوان شده است: «حل اختلاف: در صورتی که بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار درباره شرایط بیمه‌نامه اختلافی بروز کند که از طریق مسالمت‌آمیز و یا ارجاع امر به کارشناس واحد مرضی الطرفین فیصله نیابد حل اختلاف به هیاتی از کارشناسان که به ترتیب زیر تعیین میشوند ارجاع می‌شود».

۱- هر یک از طرفین یک نفر کارشناس تعیین و کتباً به طرف دیگر معرفی می‌کند. کارشناسان مزبور کارشناس دیگری را به عنوان سرکارشناس تعیین خواهند کرد.

۲- رای هیات کارشناسی با اکثریت آرا معتبر و لازم الاجرا است و قبل از صدور رای کارشناسی هیچ دعوایی در خصوص بیمه‌نامه در مراجع قضایی قابل طرح نمی‌باشد.

۳- در صورتیکه هر یک از طرفین در مدت سی روز داور خود را تعیین ننماید و یا داوران در انتخاب سرداور به توافق نرسند شرایط حق مراجعه به مقامات ذی صلاح را خواهند داشت.

بند دوم: شرایط عمومی بیمه نامه باربری (آیین نامه شماره 79)

در ماده ۱۶ شرایط عمومی بیمه‌نامه باربری در خصوص داوری و شرط آن عنوان شده است: «طرفین قرارداد باید اختلاف خود را تا حد امکان از طریق مذاکره حل و فصل نمایند. اگر اختلاف از طریق مذاکره حل و فصل نشد می‌توانند از طریق داوری یا مراجعه به دادگاه

²⁶ www.mizan.news

^{۲۷} نصیرپور، پیشین ص ۱۸۷

²⁸ http://vakilmodafeh.com

موضوع را حل و فصل کنند. در صورت انتخاب روش داوری، طرفین قرارداد می توانند یک نفر داور مرضی الطرفین را انتخاب کنند. در صورت عدم توافق برای انتخاب داور مرضی الطرفین، هر یک از طرفین داور انتخابی خود را به صورت کتبی به طرف دیگر معرفی می کند. داوران منتخب، داور سومی را انتخاب و پس از رسیدگی به موضوع اختلاف، با اکثریت آرا رأی داوری را صادر می کنند. در صورتی که داوران منتخب برای انتخاب داور سوم به توافق نرسند هر یک از طرفین قرارداد می تواند تعیین داور سوم را از دادگاه صالح خواستار شود. هریک از طرفین حق الزحمه داور انتخابی خود را می پردازد و حق الزحمه داور سوم به تساوی تقسیم می شود.

بند سوم: شرایط عمومی بیمه بدنه وسایل نقلیه زمینی (آیین نامه شماره ۵۳).

در ماده ۲۲ قانون فوق در خصوص ارجاع به داوری و شرایط آن آمده است: «طرفین قرارداد باید اختلاف خود را تا حد امکان از طریق مذاکره حل و فصل نمایند اگر اختلاف از طریق مذاکره حل و فصل نشد می توانند از طریق داوری یا مراجعه به دادگاه موضوع را حل و فصل کنند. در صورت انتخاب روش داوری، طرفین قرارداد می توانند یک نفر داور مرضی الطرفین را انتخاب کنند. در صورت عدم توافق برای انتخاب داور مرضی الطرفین، هر یک از طرفین داور انتخابی خود را به صورت کتبی به طرف دیگر معرفی می کند. داوران منتخب، داور سومی را انتخاب و پس از رسیدگی به موضوع اختلاف با اکثریت آراء اقدام به صدور رأی داوری می کنند. در صورتی که داوران منتخب برای انتخاب داور سوم به توافق نرسند هر یک از طرفین قرارداد می توانند تعیین داور سوم را از دادگاه صالح خواستار شوند. هر یک از طرفین حق الزحمه داور انتخابی خود را می پردازد و حق الزحمه داور سوم به تساوی تقسیم می شود.»

بند چهارم: شرایط عمومی بیمه وجوه در صندوق و وجوه در راه (آیین نامه ۶۲)

ماده ۱۶ بیان می دارد: «نحوه رفع اختلاف: شرایط باید اختلاف خود را تا حد امکان به صورت دوستانه و مرضی الطرفین حل کنند؛ ولی چنانچه از طریق مذاکره حل و فصل نشد از طریق داوری و در صورت عدم توافق، موضوع از طریق مراجع ذی صلاح قانونی حل و فصل خواهد شد.»

بند پنجم: شرایط عمومی بیمه نامه نوسانات نرخ ارز واحدهای تولیدی - صادراتی (آیین نامه شماره ۷۰)

در ماده ۹ قانون فوق عنوان شده است: «در صورتی که بین بیمه گر و بیمه گزار درباره این بیمه نامه اختلافی بروز کند که از طریق مذاکره و یا ارجاع امر به کارشناس واحد مرضی الطرفین فیصله نیابد حل اختلاف به هیاتی از کارشناسان که به ترتیب زیر تعیین می شوند ارجاع می شود:

۱- هریک از طرفین یک نفر کارشناس تعیین و کتباً به طرف دیگر معرفی می کند. کارشناسان مزبور کارشناس دیگری را به عنوان سرکارشناس تعیین خواهند کرد.

۲- رأی هیات کارشناسی با اکثریت آرا معتبر و برای طرفین لازم الاجرا است؛

۳- در صورتی که هر یک از طرفین در مدت سی روز کارشناس خود را تعیین ننماید و یا کارشناسان در انتخاب سرکارشناس به توافق نرسند طرفین حق مراجعه به مقامات ذیصلاح را خواهند داشت.

۴- هر یک از طرفین پرداخت حق الزحمه کارشناس خود و نیمی از حق الزحمه سرکارشناس را به عهده دارد.»

بند ششم: شرایط عمومی بیمه نامه مسافرتی اتباع خارجی متقاضی ورود به جمهوری اسلامی ایران (آیین نامه شماره ۷۷)

در ماده ۵ آیین نامه فوق عنوان شده است: «طرفین قرارداد باید اختلاف خود را تا حد امکان از طریق مذاکره حل و فصل کنند. اگر اختلاف از طریق مذاکره حل و فصل نشد، می توانند از طریق داوری یا مراجعه به دادگاه موضوع را حل و فصل کنند. در صورت انتخاب روش داوری، طرفین قرارداد می توانند یک نفر داور مرضی الطرفین را انتخاب کنند. در صورت عدم توافق برای انتخاب داور مرضی الطرفین، هر یک از طرفین داور انتخابی خود را به صورت کتبی به طرف دیگر معرفی می نماید. داوران منتخب، داور سومی را انتخاب و پس از رسیدگی به موضوع اختلاف با اکثریت آراء اقدام به صدور رأی داوری می کنند. در صورتی که داوران منتخب برای انتخاب داور سوم به توافق نرسند هر یک از طرفین قرارداد می توانند تعیین داور سوم را از دادگاه صالح خواستار شود. هر یک از طرفین حق الزحمه داور انتخابی خود را می پردازد و حق الزحمه داور سوم به تساوی تقسیم می شود.

بند هفتم: شرایط عمومی بیمه مسئولیت مدنی حرفه ای کارفرما در قبال کارکنان (آیین نامه شماره ۸۰)

بیمه مسئولیت مدنی حرفه ای کارفرما در قبال کارکنان در ماده ۲۶ آن به ذکر شرایط داوری و نحوه انتخاب داور پرداخته است. در ماده ۲۶ در خصوص نحوه حل و فصل اختلافات در این خصوص آمده است: «نحوه حل و فصل اختلاف: هرگونه اختلاف ناشی از تفسیر و یا اجرای این بیمه نامه، در صورتی که طریق مذاکره حل و فصل نشد به داور مرضی الطرفین ارجاع خواهد داد و رأی داور مزبور قطعی و برای طرفین لازم الاتباع است. در صورتی که طرفین در مورد انتخاب داور مرضی الطرفین به توافق نرسند موضوع به هیات داوری ارجاع و به ترتیب زیر عمل خواهد داد:

- ۱- هر یک از طرفین یک نفر داور اختصاصی تعیین و به طرف دیگر معرفی می نماید؛
- ۲- داوران اختصاصی قبل از بحث درباره موضوع مورد اختلاف به اتفاق، داور دیگری را به عنوان سرداور انتخاب خواهند نمود.
- ۳- رأی هیات داوری با اکثریت آراء، معتبر و برای طرفین لازم الاتباع خواهد بود.
- ۴- در صورتی که هر یک از طرفین تا ۳۰ روز بعد از انتخاب و معرفی داور طرف مقابل، داور اختصاصی خود را تعیین نکند و یا داوران اختصاصی تا ۳۰ روز در مورد تعیین سرداور به توافق نرسند هر یک از طرفین می تواند حسب مورد از دادگاه ذی صلاح درخواست تعیین داور یا سرداور بنماید.

بند هشتم: شرایط عمومی بیمه نامه مسئولیت مدنی حرفه ای پزشکان و پیراپزشکان (آیین نامه شماره ۸۲)

در ماده ۱۹ قانون فوق، نحوه حل و فصل اختلاف: «هرگونه اختلاف ناشی از تعبیر، تفسیر و یا اجرای این بیمه نامه، در صورتی که از طریق مذاکره حل و فصل نشد به داور مرضی الطرفین ارجاع خواهد داد. رأی داور مزبور قطعی و برای طرفین لازم الاتباع است. در صورتی که طرفین در مورد انتخاب داور مرضی الطرفین به توافق نرسند موضوع به هیات داوری ارجاع و به ترتیب زیر عمل خواهد شد:

- ۱- هر یک از طرفین داور اختصاصی خود را تعیین و به طرف دیگر معرفی می نماید؛
- ۲- داوران اختصاصی قبل از بحث درباره موضوع مورد اختلاف به اتفاق داور دیگری را به عنوان سرداور انتخاب خواهند نمود؛
- ۳- رأی هیات داوری با اکثریت آراء، معتبر و برای طرفین لازم الاتباع خواهد بود.
- ۴- در صورتی که هر یک از طرفین تا ۳۰ روز بعد از انتخاب و معرفی داور طرف مقابل، داور اختصاصی خود را تعیین نکند و یا داوران اختصاصی تا ۳۰ روز در مورد تعیین سرداور به توافق نرسند هر یک از طرفین می تواند حسب مورد از دادگاه ذی صلاح درخواست تعیین داور یا سرداور بنماید.

بند نهم: شرایط عمومی بیمه نامه حوادث اشخاص (آیین نامه ۸۴)

در ماده ۱۷ آیین نامه در خصوص داوری و نحوه ارجاع به داوری عنوان شده است: «طرفین قرارداد باید اختلاف خود را تا حد امکان از طریق مذاکره حل و فصل نمایند. اگر اختلاف از طریق مذاکره حل و فصل نشد می توانند از طریق داوری یا مراجعه به دادگاه موضوع را حل و فصل کنند. در صورت انتخاب روش داوری، طرفین قرارداد می توانند یک نفر داور مرضی الطرفین را انتخاب کنند. در صورت عدم توافق برای انتخاب داور مرضی الطرفین، هر یک از طرفین باید داور انتخابی خود را به صورت کتبی به طرف دیگر معرفی کند. داوران منتخب، داور سومی را به عنوان سرداور انتخاب و پس از رسیدگی به موضوع اختلاف، با اکثریت آراء اقدام به صدور رأی می کنند. در صورتی که هریک از طرفین تا ۳۰ روز بعد از معرفی داور طرف مقابل، داور منتخب خود را معرفی نکند و یا داوران منتخب، برای انتخاب سرداور به تنایق نرسند هر یک از طرفین می تواند حسب مورد تعیین داور یا سرداور را از دادگاه صالح خواستار شود».

بند دهم: شرایط عمومی قرارداد بیمه مسئولیت مدنی متصدیان حمل داخلی (آیین نامه ۸۷)

در ماده ۱۶ آیین نامه فوق عنوان شده است: «نحوه حل و فصل اختلافات بدین صورت است که هرگونه اختلاف ناشی از تعبیر، تفسیر و یا اجرای این قرارداد در صورتی که از طریق مذاکره حل و فصل نشود به کارشناس مرضی الطرفین ارجاع خواهد داد و رأی کارشناس مزبور قطعی و برای طرفین لازم الاتباع است. در صورتی که طرفین در مورد انتخاب کارشناس مرضی الطرفین به توافق نرسند، موضوع به هیات کارشناسی که به نحوه زیر انتخاب خواهد شد ارجاع می گردد:

- ۱- هر یک از طرفین یک نفر کارشناس اختصاصی تعیین و به طرف دیگر معرفی می نماید.

۲- کارشناسان اختصاصی قبل از بحث درباره موضوع مورد اختلاف به اتفاق ، کارشناس دیگری را به عنوان سرکارشناس انتخاب خواهند نمود.

۳- رأی هیأت کارشناسی با اکثریت آرا معتبر و برای طرفین لازم الاتباع خواهد بود.

۴- در صورتی که هر یک از طرفین تا سی روز بعد از انتخاب و معرفی کارشناس طرف مقابل ، کارشناس اختصاصی خود را تعیین نکند و یا کارشناسان اختصاصی تا سی روز در مورد تعیین سرکارشناس به توافق نرسند هر یک از طرفین می توانند حسب مورد از دادگاه ذی صلاح درخواست تعیین کارشناس یا سرکارشناس بنمایند.

۵- هر یک از طرفین در شروع رسیدگی ، حق الزحمه کارشناس اختصاصی خود و پنجاه درصد از حق الزحمه سرکارشناس را پرداخت خواهند کرد و در خاتمه تمام هزینه های کارشناسی به عهده طرفی خواهد بود که رأی به زیان او صادر می گردد.

بند یازدهم: هیات حل اختلاف بیمه در قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵

داوری یکی از شیوه های بارز حل اختلاف در تجارت و صنعت است . اهمیت و نقش داوری، علاوه بر کاهش دعاوی در دادگاه، تسریع در تسویه خسارت، رضایتمندی و کاهش آسیبهای دیگر در صنعت بیمه است . با این حال، صنعت بیمه چندان استفاده ای از این راهکار ندارد در آخرین تحول، به شرح قانون بیمه اجباری خسارات وارده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه (۱۳۹۵/۲/۲۰) که فرصت مناسبی برای ظهور بهتر داوری بود، از این امکان استفاده نشد . هرچند ممکن است مراجع مقرر در مواد ۲۹ و ۳۹ آن، با داوری منطبق باشند اما دقت بیشتر، خلاف این امر را نشان می دهد زیرا ارزیاب خسارت (موضوع تبصره ماده ۳۹) با کارشناسی و هیئت (موضوع ماده ۲۹) با نهاد قانونی مستقل، انطباق دارد بنابراین مشمول قواعد داوری نمی شود.^{۲۹}

همزمان با رونق صنعت بیمه در نظام های حقوقی و انجام عملیات های گسترده بیمه ای توسط مؤسسات بیمه گر، اختلاف و دعاوی ناشی از این گونه قراردادهای بیمه ای نیز رو به فزونی خواهد نهاد . بنابراین با توجه به حجم بالای این دعاوی و به واسطه فقدان ظرفیت های لازم در بدنه دستگاه قضایی در خصوص رسیدگی سریع و به موقع به موضوعات تخصصی و فنی بیمه ای، ضرورت می یابد رسیدگی به این موضوعات اختلافی میان بیمه گر و بیمه گذار قبل از طرح هرگونه شکایت یا تقدیم دادخواست در محاکم عمومی (که مطابق اصل ۱۵۹ قانون اساسی مرجع رسمی رسیدگی به تظلمات میباشد)، از طریق پیش بینی در متن قرارداد بیمه با توسل به روش ها و شیوه های جایگزین حل اختلاف انجام شود. یکی از مهمترین شیوه های رایج و متداول در این زمینه استفاده از " داوری " جهت حل اختلافات ناشی از قرارداد بیمه است.^{۳۰}

بی گمان راهکار مواد ۲۹ و ۳۹ قانون بیمه اجباری ۱۳۹۵ برای طرفین اختلاف لازم الاتباع است و بنابراین انطباقی با شیوه های جایگزین اختلاف که اختیاری هستند، ندارد . با این حال، نظر ارزیاب موضوع ماده ۳۹ را می توان از این شیوه ها تلقی کرد که «الزاما» در قانون مذکور است و چون این الزام، برخلاف جوهره این شیوه ها، استثنائاً الزام آور شناخته شده است، باید به قدر متیقن آن اکتفا کرد و از جمله توان اجرایی «نظر ارزیاب» را منتفی دانست.^{۳۱}

به موجب ماده ۲۹: « کلیه اختلافات بین صندوق و شرکتهای بیمه که ممکن است در اجرای این قانون به وجود آید به وسیله هیئتی مرکب از دو نفر حقوق دان آشنا با حقوق بیمه به انتخاب وزیر دادگستری و سه متخصص بیمه به انتخاب بیمه مرکزی، صندوق و اتحادیه (سندیکای) بیمه گران هر کدام یک نفر، حل و فصل می شود. ملاک تصمیم گیری، رأی اکثریت اعضای هیئت است و رأی صادر شده لازم الاجراست. هر یک از طرفین می تواند ظرف مدت بیست روز از ابلاغ رأی، در مرجع قضایی ذی صلاح اقامه دعوا کند. ترتیب تعیین داوران معمولاً این چنین است که هر یک از طرفین بیمه گر و بیمه گزار یا داور ، و داوران نیز داور سوم انتخاب می نمایند و این هیات سه نفره مسئولیت رسیدگی به اختلاف را برعهده می گیرند . بیمه نامه ها تا همین حد نسبت به این موضوع تعیین تکلیف

^{۲۹} خدابخشی، پیشین ص ۸۵

^{۳۰} همان ص ۸۷

^{۳۱} همان ص ۹۰

نموده اند لیکن تعیین سایر دقیق آن مانند مدت داورى، نحوه ابلاغ رای، حدود اختیارات داوران، اصولاً مقررات خاصی در بیمه نامه ها پیش بینی نشده است که به نظرمی رسد توجه به این خلاء ها لازم است مورد توجه نهاد ناظر قرار گیرد.

الف- دلایل تلقی هیئت به عنوان مرجع داورى

۱- هیئت مذکور توسط نمایندگانی با معرفی طرفین اختلاف (صندوق، بیمه گر در قالب اتحادیه بیمه گران و بیمه مرکزی) رسیدگی می شود و دو عضو دیگر نیز اولاً غیرقاضی هستند و حال آنکه اگر نظر بر هیئت قانونی و ماهیت غیرداوری باشد، نوعاً یکی از قضات حضور می یابد. ثانیاً به منظور رعایت مقررات و حفظ تعادل طرفین و خرد جمعی بیشتر و بهتر، به هیئت اضافه می شوند و مأموریت رسمی همانند دیگر نهادهای قانونی و کمیسیونها ندارند.

۲- رسیدگی هیئت ماده ۲۳ یک درجه ای و رأی هیئت، همانند آرای مرجع داورى، لازم الاجراست و مطابق ماده ۲۷ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی^{۳۲} از طریق دادگستری اجرا می شود. در موارد مشابه که نهادهای قانونی مانند کمیسیون ها و هیئت ها به حکم قانون تشکیل شده و داورى تلقی نمی شوند، نوعاً دو درجه ای هستند یا آرای لازم الاجرا ندارند.

۳- تلقی هیئت به عنوان مرجع داورى اجباری نیز با تصریح قانون نباید عجیب باشد. عدم ذکر عبارت «داوری» نافی حکم آن نیست و مهم شرایط تحقق آن است که قابل قبول به نظر می رسد زیرا اولاً اراده طرفین حفظ شده (نمایندگان طرفین) و ثانیاً دو عضو دیگر توسط وزیر دادگستری به عنوان «مقام ناصب» تعیین شده اند.

۴- هدف مقنن از قضا دای و تمرکز اختلافات فنی در مراجع تخصصی، ایجاب می کند که هیئت مذکور را مرجع داورى اجباری تلقی کنیم زیرا اولاً اگر غیرداوری باشد، مجدداً با همه اوصاف می توان به آرای هیئت اعتراض کرد و حال آنکه رسیدگی ماهوی کامل در دادگستری، برخلاف هدف مقنن از پیش بینی هیئت مذکور است. ثانیاً منظور از اقامه دعوا در مرجع ذی صلاح نیز اعتراض و ابطال رأی هیئت به عنوان مرجع داورى و در حدود ماده ۴۸۹ ق.آ.د.م. است.^{۳۳}

ب- ماهیت حقوقی مرجع مقرر

شواهد مربوط به داورى در ماده ۳۹ قوی تر است. از جمله:

اختلاف در این ماده به «روابط خصوصی» و جبران خسارت مالی (و نه بدنی) مربوط است. این اختلاف، نه با مقررات آمره در تضاد است و نه طرفین اختلاف، نهادهای عمومی یا دولتی محسوب می شوند. البته بیمه های دولتی مانند شرکت سهامی بیمه ایران نیز مشمول این قاعده هستند اما این شرکتها به دلیل ماهیت کار تصدی و نه حاکمیتی، ممنوعیتی برای داورى ندارند.

برخلاف ماده ۲۹، در این مورد ارزیاب مربوط، «به انتخاب و هزینه زیان دیده» است نه مقام عمومی مانند وزیر یا صندوق با بیمه مرکزی؛ ایرادی نیست که «مجوز» ارزیاب را بیمه مرکزی صادر می کند زیرا این اندازه نظارت، نافی ماهیت داورى نیست همان طور که کارشناس رسمی دادگستری را می توان به عنوان داور تعیین کرد و در عین حال، مجوز صادره توسط کانون کارشناسان رسمی صادر می شود. انتخاب توسط زیان دیده و پرداخت هزینه، کاملاً همسو با قواعد داورى است. البته ممکن است ایراد گرفته شود که در حقوق داورى، مقام ناصب باید «ثالث» یعنی خارج از طرفین اختلاف و نیز «بی طرف» باشد و حال آنکه در این مورد، انتخاب توسط زیان دیده و تأمین هزینه از سوی او، با این اوصاف سازگار نیست. قطعی و لازم الاجرا بودن نظر ارزیاب نیز از آثار داورى است زیرا در شیوه های جایگزین حل اختلاف مانند کارشناسی، اصولاً این ویژگی مشاهده نمی شود.

^{۳۲} ماده ۲۷: «مقررات این قانون در مورد گزارشهای اصلاحی مراجع قضایی و آرای مدنی سایر مراجعی که به موجب قانون، اجرای آنها بر عهده اجرای احکام مدنی دادگستری است و همچنین آرای مدنی تعزیرات حکومتی نیز مجری است».

^{۳۳} ماده ۴۸۹: «رأی داورى در موارد زیر باطل است و قابلیت اجرایی ندارد: ۱- رأی صادره مخالف با قوانین موجد حق باشد؛ ۲- داور نسبت به مطلبی که موضوع داورى نبوده رأی صادر کرده است؛ ۳- داور خارج از حدود اختیار خود رأی صادر کرده باشد. در این صورت فقط آن قسمت از رأی که خارج از اختیارات داور است ابطال می شود؛ ۴- رأی داور پس از انقضای مدت داورى صادر و تسلیم شده باشد؛ ۵- رأی داور با آنچه در دفتر املاک یا بین اصحاب دعوا در دفتر اسناد رسمی ثبت شده و دارای اعتبار قانونی است مخالف باشد؛ ۶- رأی به وسیله داورانی صادر شده که مجاز به صدور رأی نبوده اند؛ ۷- قرارداد رجوع به داورى بی اعتبار بوده باشد».

گفتار سوم: محدودیت های ارجاع دعاوی بیمه ای به داوری

ترتیب تعیین داوران در مواردی که از قبل پیش بینی نشده باشند معمولاً اینچنین است که هریک از طرفین بیمه گر و بیمه گزار یک داور و داوران نیز یک سر داور انتخاب می نمایند و این هیات سه نفره مسئولیت رسیدگی به اختلاف را برعهده می گیرند. بیمه نامه ها تا همین حد نسبت به این موضوع تعیین تکلیف نموده اند لیکن برای دو طرف در تعیین سایر شقوق آن مانند مدت داوری، شیوه ابلاغ رای، حدود اختیارات داوران، لازم یا مشورتی بودن رای داوری، تعداد و نحوه انتخاب داوران محدودیتی وجود ندارد. با توجه به ارزش رای داوری در نظام حقوقی ما شایسته است بیمه گزاران که اغلب از شرایط بیمه نامه ها بی اطلاعند برای استفاده از این نهاد حقوقی با استفاده از مشاوران حقوقی خود اقدام نمایند تا با رعایت شرایط شکلی و ماهوی پیش بینی شده در قانون، رای داوران حکم امر مختومه را داشته و بلافاصله پس از گذشت بیست روز از تاریخ ابلاغ به اجرا گذاشته شود.

صرفنظر از مشکلاتی که در رابطه با ارزیابی و رسیدگی یکطرفه به خسارات بیمه گزاران در صنعت بیمه مشاهده می شود حتی در برخی موارد داوری نیز نمی تواند حقوق بیمه گزار را تثبیت نماید. زیرا رای داوری بر مبنای اصل حسن نیت، احترام و اعتبار طرفین به تعهدات خود استوار است و در صورت عدم تمکین هر یک از طرفین به رای داوری، مجدداً رای داوری می بایست از طریق مراجعه قضائی اجرا گردد و اگرچه معمولاً مسیر رسیدگی کوتاهتر خواهد شد لیکن از دست رفتن زمان همواره به ضرر زیان دیده و به نفع بیمه گران است. از طرفی ملاحظه می گردد بدلیل عدم استفاده سیستماتیک از این نهاد حقوقی در صنعت بیمه کشور رویه ثابت و متقنی وجود نداشته و چون ارجاع کنندگان که معمولاً مدیران شرکتهای بیمه هستند از دانش حقوقی کافی محرومند در پروسه ارجاع اختلاف به داوری، این نهاد دستخوش تفسیرهای شخصی غالباً اشتباه شده و یا در موارد محدودی داورانی که علیه شرکتهای بیمه رای صادر می نمایند مورد خشم این شرکتهای قرار می گیرند که ساده ترین تاثیر آن عدم ارجاع مجدد اختلافات آینده به این اشخاص از طرف بیمه گران است!! که در عمل هم داوران را دچار مشکل نموده و هم صنعت بیمه را از استفاده از تجربه این داوران شجاع محروم می سازد.

بند اول: اصل ۱۳۹ قانون اساسی راجع به اموال دولتی

نهاد داوری با عنایت به مشکلات روز افزون بهره گیری از دادگستری عمومی روزبه روز درحال گسترش است. به طور واضحی، در داوری فرصت بیان تخصصی موضوع بیشتر بوده و داوران به راحتی می توانند به بررسی همه جانبه مخاصمه بپردازند. درجایی که اشخاص خصوصی از فرصت داوری بهره می گیرند همه لوازم و ابزار قابل پیشبینی می باشد، چراکه اراده طرفینی یک اصل غیرقابل عدول بوده و حتی زمان و مکان و مدت داوری و از همه مهمتر خود داوران براین اساس انتخاب می شوند؛ اما زمانی که صحبت از اموال عمومی و دولتی می شود ماجرا شکل دیگری به خود می گیرد و نباید مبنا را بر آن قرار داد که همچنان اراده مالک عمل باشد. بهره مندی از منافع عمومی ریشه تاریخی دارد. زندگی انسا نهایی بدوی در طبیعت بدون مشکل از مواهب آن بهره مند بود، اما ایجاد و گسترش اجتماعات این منافع خصوصی را تحت الشعاع قرار داد و دیگر امکان سودمندی همه جانبه از آن میسر نبود و قواعد اجباری وضع گردید تا محدودیتهای ناخواسته ای شکل بگیرد. در اینجا مفهوم اموال عمومی شکل م یگیرد و ساختار حقوقی ویژه ای نیز به تبع ماهیت خاص آن بروز و ظهور می یابد.^{۳۴}

در حقوق ایران اصل ۱۳۹ قانون اساسی در زمینه مذکور مطرح است که محل تضارب و اختلاف آرا نیز بوده است. این اصل در پیش نویس اولیه قانون اساسی وجود داشته و به نظر میرسد متخذ از حقوق فرانسه است. هرچند در انتخاب واژگان متن دقت کافی صورت نگرفته است. سابقه تاریخی و ذهنیت منفی نسبت به نهادهای بین المللی باعث شده است تا به طور کلی دعاوی مربوط به اموال اشخاص عمومی در عرصه بین المللی قابل صلح و ارجاع به داوری نباشد. قوه مؤسس به دنبال حمایت از اموال عمومی به دلیل اهمیت بالای آنها است، به همین دلیل در این اصل تکیه اصلی بر «اموال» است، نه «اشخاص»؛ یعنی کلیه اموال «عمومی و دولتی» و رای اینکه در اختیار چه شخص عمومی ای است، مشمول اصل داوری پذیر نبودن است. البته اصل داوری پذیر نبودن در حقوق ایران قاعده ای

^{۳۴} راستاد، مجتبی، بررسی اصول رسیدگی عادلانه در داوری تجاری بین المللی و پیامدهای آن، فصلنامه حقوق خصوصی، شماره ۱۲۸، تابستان ۱۳۸۷ ص ۶۵

مطلق محسوب نمیشود؛ چراکه دستگاه های اجرایی بدو نمیتوانند اقدام به صلح دعاوی یا ارجاع به داوری در زمینه این اموال نمایند؛ اما با تصویب هیئت دولت و در مواردی مجلس شورای اسلامی این امر امکانپذیر است.

در این اصل سخنی از اشخاص عمومی به میان نیامده است. پیش از این به تفصیل توضیح داده شد که در حقوق ایران به جز دولت، سایر اشخاص عمومی نیز میتوانند مالک اموال ملی باشند. عدم اشاره به دارندگان این اموال و تکیه بر خود « اموال عمومی و دولتی » بیانگر اراده و فهم قانونگذار اساسی از مسئله است. بنابراین نظریه تفسیری شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۷۲/۹/۱۷ به درستی اموال شرکتهای دولتی را تابع حکم اصل مذکور دانسته است. ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ نیز به تکرار عبارات اصل ۱۳۹ قانون اساسی پرداخته و نکته جدیدی را بیان ننموده است.^{۳۵}

آنچه در تحلیل اصل ۱۳۹ قانون اساسی کمتر بررسی شده، منظور از « اموال عمومی و دولتی » است. فهم ما از این اموال زمانی اهمیت دو چندان پیدا میکند که بر اساس اصل مذکور در « موارد مهم داخلی » ارجاع به داوری و صلح دعاوی مربوط به اموال عمومی و دولتی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. بر اساس این، تمامی موارد ارجاع به داوری و صلح دعاوی باید توسط هیئت وزیران تصویب شود و به اطلاع مجلس برسد؛ اما دعاوی ای که طرف مقابل آن خارجی است و موارد مهم داخلی، الزاماً نیازمند مصوبه مجلس خواهد بود.

از جمله محدودیت های قانونی که ارجاع دعاوی بیمه ای به داوری را با ابهام مواجه کرده، اصل ۱۳۹ قانون اساسی است. براساس این اصل « صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می کند ».

مفاد ماده ۴۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی نیز با رعایت کامل این اصل قابل احترام تلقی شده است. در صنعت بیمه نیز این بحث به ویژه درباره شرکت سهامی بیمه ایران به عنوان شرکت دولتی مطرح می شود که آیا داوری دعاوی مربوط به شرکت های بیمه دولتی نیز مشمول ممنوعیت مقرر در اصل ۱۳۹ قانون اساسی می شود یا خیر؟ اگرچه ممنوعیت مقرر در این اصل، در داوری پذیری شرکت های خصوصی تردیدی ایجاد نمی کند و در رویه قضایی موارد فراوانی قابل مشاهده است ولی اطلاق و عموم اصل ۱۳۹ قانون اساسی در بردارنده ممنوعیت داوری در رابطه با شرکت های بیمه دولتی است. این ممنوعیت موجب می شود که رأی صادره با ضمانت اجرای بطلان قرارداد یا شرط داوری، ابطال رأی داور توسط دادگاه یا غیرقابل اجرا بودن آن مواجه شود.^{۳۶} اما در واقع امر پذیرش این نظر دشوار است.

در تصمیم شماره 9709977 5777 00442 مورخ ۱۳۹۷/۴/۲۶ شعبه ۲۷ دادگاه عمومی حقوقی مشهد، دادگاه با پذیرش اصل داوری در مورد اختلاف بیمه گذار و بیمه گر وارد رسیدگی شده است: « در خصوص دادخواست ... به طرفیت شرکت سهامی بیمه معلم به خواسته ابطال رأی داوری ... دادگاه با مدنظر قرار دادن این مهم که رأی داوری مخالف با قوانین موجد حق است، چرا که از یک سو حادثه رخدادی ناشی از حفر چاه نبوده است ... و از سوی دیگر بیمه نامه معنونه تمامی عملیات پروژه از بدو تا خاتمه را تحت پوشش قرار می دهد؛ بنابراین دعوای مطروحه را وارد و ثابت دانسته و با استناد به ماده (۴۸۹) قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی حکم به ابطال رأی داوری مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۳ صادر و اعلام می کند... ».

برخی حقوقدانان معتقدند باید به شرکت ها و مؤسسات دولتی که به فعالیت و مبادلات بازرگانی اشتغال دارند، همانند اشخاص خصوصی نگریسته شود و بنابراین اموال و وجوهی که آنها در این ارتباط به کار می گیرند باید مانند اموال اشخاص خصوصی، خصوصی و مصون از

^{۳۵} کرمی، حامد، « تحلیل اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر ماهیت اموال عمومی »، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال هفتم، زمستان ۱۳۹۷ ص ۱۱۵

^{۳۶} خدابخشی، عبدالله حقوق بیمه و مسئولیت مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار ۱۳۹۶ ص ۴۵۲



ویژگی های اموال دولتی در نظر گرفته شوند.^{۳۷} همچنین بیان شده شرکت های دولتی که کار تصدی دارند، ممنوعیت داوری نخواهند داشت.^{۳۸}

علاوه بر آن در قانون بیمه اجباری نیز موادی قابل ملاحظه است که اگرچه انطباق کامل آنها با نهاد داوری محل تردید است، اما حل اختلاف در خارج از دادگستری را تجویز کرده است.^{۳۹} در رویه قضایی نیز مواردی یافت می شود که امکان داوری در دعاوی مربوط به بیمه های دولتی پذیرفته شده است.

پذیرش داوری دعاوی شرکت های دولتی در استدلال شعبه ۲۷ دادگاه حقوقی تهران مشهود است که به موجب دادنامه شماره ۸۸/۲/۱۳/۱۰۲: «آنگاه که یک شرکت دولتی متصدی یک امر تجاری است و اموالی که در اختیار دارد نه برای اعمال حاکمیت بلکه برای تصدی به امور تجاری باشد، منعی برای مراجعه به داوری نیست و اصل ۱۳۹ قانون اساسی و ماده ۴۵۷ قانون، مستمسکی برای اشخاص نیست که اولاً با شرکت های دولتی که اعمال تصدی می کنند قرارداد داوری منعقد کنند و ثانیاً اگر رأی داوری به ضرر آنان صادر شود، با تمسک به مواد مذکور درصدد بطلان رأی داوری برآیند».^{۴۰}

در حقوق ایران اصل ۱۳۹ قانون اساسی در زمینه مذکور مطرح است که محل تضارب و اختلاف آرا نیز بوده است. این اصل در پیش نویس اولیه قانون اساسی وجود داشته و به نظر میرسد متخذ از حقوق فرانسه است. هرچند در انتخاب واژگان متن دقت کافی صورت نگرفته است. سابقه تاریخی و ذهنیت منفی نسبت به نهادهای بین المللی باعث شده است تا به طور کلی دعاوی مربوط به اموال اشخاص عمومی در عرصه بین المللی قابل صلح و ارجاع به داوری نباشد. قوه مؤسس به دنبال حمایت از اموال عمومی به دلیل اهمیت بالای آنها است، به همین دلیل در این اصل تکیه اصلی بر «اموال» است، نه «اشخاص»؛ یعنی کلیه اموال «عمومی و دولتی» و رای اینکه در اختیار چه شخص عمومی ای است، مشمول اصل داوری پذیر نبودن است. البته اصل داوری پذیر نبودن در حقوق ایران قاعده ای مطلق محسوب نمیشود؛ چراکه دستگاه های اجرایی بدو نمیتوانند اقدام به صلح دعاوی یا ارجاع به داوری در زمینه این اموال نمایند؛ اما با تصویب هیئت دولت و در مواردی مجلس شورای اسلامی این امر امکانپذیر است.

در این اصل سخنی از اشخاص عمومی به میان نیامده است. پیش از این به تفصیل توضیح داده شد که در حقوق ایران به جز دولت، سایر اشخاص عمومی نیز میتوانند مالک اموال ملی باشند. عدم اشاره به دارندگان این اموال و تکیه بر خود «اموال عمومی و دولتی» بیانگر اراده و فهم قانونگذار اساسی از مسئله است. بنابراین نظریه تفسیری شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۷۲/۹/۱۷ به درستی اموال شرکتهای دولتی را تابع حکم اصل مذکور دانسته است. ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ نیز به تکرار عبارات اصل ۱۳۹ قانون اساسی پرداخته و نکته جدیدی را بیان ننموده است.^{۴۱}

آنچه در تحلیل اصل ۱۳۹ قانون اساسی کمتر بررسی شده، منظور از «اموال عمومی و دولتی» است. فهم ما از این اموال زمانی اهمیت دو چندان پیدا میکند که بر اساس اصل مذکور در «موارد مهم داخلی» ارجاع به داوری و صلح دعاوی مربوط به اموال عمومی و دولتی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. بر اساس این، تمامی موارد ارجاع به داوری و صلح دعاوی باید توسط هیئت وزیران تصویب شود و به اطلاع مجلس برسد؛ اما دعاوی ای که طرف مقابل آن خارجی است و موارد مهم داخلی، الزاماً نیازمند مصوبه مجلس خواهد بود.

درباره صلاحیت هیئت دولت در این زمینه و نیز صلاحیت مجلس درباره دعاوی با طرف خارجی، تقریباً مشکل و ابهامی وجود ندارد. البته دربارهی اینکه منظور اصل، تصویب ارجاع به داوری یا تصویب گنجاندن شرط داوری در قراردادهای دولتی است، بحثهای فراوانی صورت گرفته که موضوع پژوهش حاضر نیست. نقطه ابهام در این اصل منظور از «موارد مهم داخلی» است. چه مواردی را میتوان مهم یا

^{۳۷} کریمی، عباس و حمید رضا پرتو «داوری پذیری دعاوی مربوط به اموال عمومی و دولتی»، فصلنامه پژوهش حقوق، سال ۱۴، ش ۳۶ تابستان ۱۳۹۱ ص ۱۷۲

^{۳۸} خدابخشی، پیشین ص ۴۵۳

^{۳۹} مواد (۲۹ و ۳۹) قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵.

^{۴۰} همان ص ۴۵۳

^{۴۱} کریمی، پیشین، ص ۱۱۵

غیر مهم دانست؟ معیار و ضابطه این تفکیک چیست؟ اثر مهم این تمایز این است که مشخص شود چه مواردی نیازمند تصویب مجلس است. در اصل ۱۳۹ ضابطه ای برای تفکیک مطرح نشده است و قانون اساسی نیز برای تبیین آن به قانون عادی ارجاع داده است. در قوانین و مقررات نیز تصریح مشخصی در این باره وجود ندارد. شاید بتوان ادعا کرد هم دولت و هم مجلس درگیر این قید نبوده اند یا اگر بدان التفات داشته اند به دلیل نبود معیار مشخصی برای تمایز موارد مهم و غیرمهم از آن چشم پوشی کرده اند. به نظر میرسد معیار تفکیک موارد مهم را باید در ماهیت اموال عمومی و دولتی جست؛ وگرنه شخص عمومی طرف دعوا معیار مناسب و دقیقی نخواهد بود، به همین دلیل قانونگذار اساسی نیز بدان اشاره و تأکیدی نکرده است.^{۴۲}

بند دوم: سکوت قانونگذار در قانون بیمه اجباری و عدم استفاده از نهاد داوری

نکته دیگر درباره منع داوری در دعاوی بیمه ای، سکوت قانونگذار در قانون بیمه اجباری و عدم استفاده از نهاد داوری است. به رغم گسترش نهاد داوری در مقررات ملی و بین المللی، قانونگذار در آخرین اراده خود هیچ ذکری از نهاد داوری در قانون بیمه اجباری نداشته و تدبیری برای آن اتخاذ نکرده است. حتی ملاحظه می شود که در مواد ۲۹ و ۳۹ قانون بیمه اجباری، به رغم امکان استفاده از نهاد داوری، مقنن از روش دیگری در پی حل اختلاف بوده است که این امر نشان از گرایش به منع داوری در دعاوی بیمه ای دارد، اما تحلیل مواد یاد شده نشان می دهد از برخی جهات تدبیر پیش بینی شده در مادتين مذکور بی شباهت با داوری نیست. هیئت مذکور در ماده ۲۹ توسط نمایندگانی با معرفی طرفین اختلاف رسیدگی می کند و دو عضو دیگر نیز اولاً غیر قاضی هستند و ثانیاً به منظور رعایت مقررات و حفظ تعادل طرفین و خرد جمعی بیشتر و بهتر به هیئت اضافه می شوند و مأموریت رسمی همانند دیگر نهادهای قانونی و کمیسیون ها را ندارند.^{۴۳}

رسیدگی هیئت مذکور در ماده ۲۹ یک مرحله ای و رأی آن مانند رأی داوری لازم الاجراست و مطابق ماده ۲۷ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی از طریق دادگستری اجرا می شود و نظر ارزیاب مندرج در ماده ۳۹ نیز قطعی و لازم الاجراست. به علاوه قید نشدن داوری در مواد ۲۹ و ۳۹ نباید نافی داوری تلقی شدن آنها شود و تلقی هیئت مذکور در ماده ۲۹ به عنوان مرجع داوری اجباری نباید عجیب باشد.^{۴۴} ماهیت اختلاف مندرج در این مواد ناظر به روابط خصوصی و جبران خسارت است و تضادی با مقررات آمره ندارد و با مفهوم داوری که حل اختلاف خارج از دادگستری و توسط افراد منتخب است، قابل انطباق است. در نهایت داوری تلقی کردن هیئت و ارزیاب خسارات امر عجیبی نیست و وجود این خصایص موجب شده تا تصور به داوری پذیری بودن دعاوی بیمه تقویت شود. اما حتی در فرض عدم پذیرش این دو نهاد به عنوان داوری، نمی توان استنتاجی مخالف کرد و عدم داوری پذیری دعاوی بیمه را تقویت کرد. چنان که سکوت مقنن در قانون بیمه اجباری، تقوی تکننده محدودیت و ممنوعیت داوری نیست و قاعده اصلی را باید داوری پذیری دعاوی در نظر گرفت و تحول نهاد و قواعد داوری نیز به سمت حذف موانع در حرکت است.^{۴۵}

بنابراین در صورت شک در موضوعی که خلاف اصل است باید به قدر متیقن اکتفا کرد و از گسترش خلاف قاعده پرهیز کرد. نتیجه اینکه مواد ۲۹ و ۳۹ را نمی توان دلیلی بر داوری ناپذیری دعاوی بیمه ای تلقی کرد، بلکه حتی این مواد خود مؤید امکان پذیرش داوری در دعاوی بیمه ای است. به عبارت دیگر اتخاذ تدابیر لازم جهت حل اختلافات در خارج از دادگاه به وسیله اشخاصی غیر از قاضی دادگستری نشان از انعطاف پذیری مقنن برای حل اختلافات مربوط به دعاوی بیمه به روشی غیر از دادرسی قضایی دارد و اگرچه این دو ماده از حیث احکام و آثار کاملاً با داوری به مفهوم خاص انطباق ندارند و حرکت مؤثری به سمت داوری اجباری در دعاوی بیمه ای صورت نگرفته^{۴۶} اما وجود ویژگی های مشترک بین داوری، ارزیاب و هیئت حل اختلاف نشان از قابلیت پذیرش قواعد مربوط به داوری در این زمینه دارد.

^{۴۲} همان ص ۱۱۶.

^{۴۳} خدابخشی، عبدالله، «مفهوم و ماهیت شیوه های حل اختلاف موضوع قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰»، پژوهشنامه بیمه، سال ۳۲، ش ۴ زمستان

۱۳۹۶ ص ۹۶

^{۴۴} همان ص ۹۷

^{۴۵} خدابخشی، پیشین، ص ۴۵۲

^{۴۶} خدابخشی، پیشین ص ۹۶

از مهم‌ترین موانع در داوری پذیری هر دعوائی تقابل آن با نظم عمومی است. یکی از مشکلات و ممنوعیت‌های ارجاع داوری دعاوی بیمه‌ای به خصوص در بخش مربوط به پوشش بیمه وسایل نقلیه موتوری این است که در عمل امکان دارد موجب امتناع از پرداخت خسارت به بیمه شده شود و همچنین موجب شود تا بیمه‌گذار از مسئولیت عمل کردن مطابق نظم عمومی رهایی یابد. در نظام حقوقی کامن‌لا این نظر در برخی موارد قابل ملاحظه است. در پرونده‌ای دادگاه ایالت اوکلاهاما رأی داد که شرط داوری در ارتباط با پوشش بیمه‌ای رانندگان خاطی مخالف نظم عمومی اوکلاهاما بوده و باطل است. اما گسترش داوری باعث تعدیل این نظر شده است؛ زیرا داوری یکی از انواع روش‌های حل اختلاف است و در کامن‌لا نیز به رسمیت شناخته شده و رأی داور در رابطه طرفین الزام‌آور است. از سوی دیگر بعداً مقررات یکنواخت جدیدی در زمینه داوری اعلام شد و در مقررات برخی ایالات به تصویب رسید و تعدادی از ایالات آمریکا اعلام کردند که داوری در رابطه با اختلافات موجود و آینده در این زمینه معتبر و لازم‌الاجرا خواهد بود.

بند سوم: اختلاط مسائل کیفری و حقوقی

مهم‌ترین دلیلی که در خصوص محدودیت قلمرو داوری پذیری از نظر برخی حقوقدانان عنوان شده، پیچیدن و درهم آمیختن حقوق خصوصی در برخی زمینه‌های خاص با منافع عمومی است که از جمله آنها مسائل کیفری است. رویکرد کیفری، نماد بارز و کنش اجتماع در برابر نقض نظم عمومی از برخی جهات است. دعاوی بین طرفین که مرتبط با بیمه است گاه دارای جنبه کیفری است، مانند تصادفات رانندگی و حوادث ناشی از کار که نفس عمل زیان‌باری که مسئولیت بیمه‌گر را در پی دارد مستوجب مجازات نیز است؛ بنابراین اختلاط مسائل کیفری و حقوقی در این موارد مانعی برای داوری پذیری است. در این دو مورد احراز مسئولیت جزایی و گاه مسئولیت مدنی غالباً از طریق دعاوی جزایی انجام می‌شود و توافق طرفین یا داوری می‌تواند حدود دیه و سایر خسارات را تغییر دهد. به عنوان مثال در حادثه ترافیکی ممکن است طرفین توافق به پذیرش تقصیر توسط شخصی غیر از مقصر کنند و از این رو هزینه‌ای بر بیم‌هگر تحمیل کنند و یا با سلب مسئولیت از بیمه‌گذار، بیمه‌گر را از تحمل مسئولیت برهانند. همچنین توافق بیمه‌گر با مقصر حادثه نیز نمی‌تواند زیان ندیده را از حقوق قانونی خود که به موجب قانون بیمه اجباری برقرار شده است، محروم کند. بنابراین با توافق می‌توان بخش خصوصی حادثه را به داوری موکول کرد، ولی مسئولیت کیفری با توافق قابل انتقال نیست و رأی داور نمی‌تواند مبنای مسئولیت کیفری باشد. همین موضوع در حوادث کار نیز قابل طرح است. به عنوان مثال توافق کارفرما و پیمانکار یا کارفرمای جزء به اینکه یکی از آنها در نتیجه حوادث کار مسئول باشد به زیان ثالث نخواهد بود و دادگاه صرف نظر از این توافق باید به رسیدگی ادامه دهد و این امر به معنای بطلان قرارداد نیست و در رابطه خصوصی بین آنان می‌تواند به عنوان یک قرارداد خصوصی مانند ضمان یا التزام به دین اثر داشته باشد، به این معنا که یک نفر جبران خسارت و مسئولیت مدنی دیگری را به عهده می‌گیرد.^{۴۷} بنابراین وجود قرارداد داوری منعی برای نظم عمومی نخواهد داشت و در بخش خصوصی نیز سالب جنبه کیفری و حفظ نظم عمومی جامعه نخواهد بود. در صدمات بدنی ناشی از تصادف محدودیت دیگری نیز لحاظ شده که در ماده ۱۱ قانون بیمه اجباری آمده است. براساس این ماده: «درج هرگونه شرط در بیمه‌نامه که برای بیمه‌گذار یا زیان‌دیده مزایای کمتر از مزایای مندرج در این قانون مقرر کند، یا درج شرط تعلیق تعهدات بیمه‌گر در قرارداد به هر نحوی، باطل و بدون اثر است. بطلان شرط سبب بطلان بیمه‌نامه نمی‌شود. همچنین اخذ هرگونه رضایت‌نامه از زیان‌دیده توسط بیمه‌گر و صندوق مبنی بر رضایت به پرداخت خسارت کمتر از مزایای مندرج در این قانون ممنوع است و چنین رضایت‌نامه‌ای بدون اثر است».

ارجاع دعا به داوری به نحوی که به اثبات حقوقی کمتر از مزایای مقرر در قانون بیمه اجباری منجر شود، خلاف فلسفه حمایتی قانونگذار است. به نظر می‌رسد این ممنوعیت در جهت حمایت از حقوق زیان‌دیده برقرار شده و جنبه آمرانه دارد. شرط ارجاع به داوری اگرچه موجب تعلیق تعهدات بیمه‌گر نیست، اما با این ابهام همراه است که امکان دارد به نتیجه‌ای بینجامد که مزایای کمتری از مزایای مندرج در قانون بیمه اجباری برای زیان‌دیده به همراه داشته باشد. پذیرش این ماده به عنوان محدودیتی برای داوری دعاوی بیمه‌دشوار است. علت اصلی مراجعه به داوری ایجاد اختلاف بین طرفین است و این مراجعه براساس شرط یا قراردادی است که ممکن است قبل یا پس از حدوث اختلاف تنظیم شده باشد؛ بنابراین رجوع به داوری عملاً جایگزینی برای مراجعه به دادگستری است. هما

نظور که در فرایند رسیدگی دادگستری باید مقررات آمره در قانون بیمه اجباری به عنوان یک اصل رعایت شود، دآوری نیز پایبند به این مهم خواهد بود و عدم رعایت مقررات موجد حق موجبی برای عدم استواری رأی داور است. به این ترتیب وجود این شرط را نمی توان مانعی جدی برای دآوری پذیری دعاوی بیمه تلقی کرد و صرفاً نشا ندهنده محدوده رسیدگی داور و توجه به قواعد حمایتی است.

بند چهارم: دلایل غیردآوری بودن هیئت ماده ۲۹

مهم ترین عنصر دآوری، توافق طرفین به ارجاع اختلاف به این مرجع است. چنین عنصری در ماده ۲۳ منتفی است زیرا به حکم قانون الزاماً بر طرفین اختلاف سایه می افکند و هیچ اختیاری وجود ندارد. همچنین تنها سه عضو را طرفین تعیین می کنند و در تعیین دو عضو دیگر که آرای آنها نیز مهم است، نقشی ندارند. در سه عضو انتخابی نیز سنگینی دولت به دلیل حضور صندوق و بیمه مرکزی، احساس می شود و اگر نمایندگان وزارت دادگستری را نیز به آنها اضافه کنیم، نسبت ۴ به ۶ به سود دولت خواهد بود؛ امری که با قواعد دآوری در تشکیل هیئت بی طرف و متعادل، سازگاری ندارد زیرا در هیئت های دآوری، هر طرف، یک یا دو عضو مساوی دارد و سرداور (یا داور سوم یا مشترک) را نیز با توافق تعیین می کنند و در صورت عدم توافق است که مقام ناصب (نوعاً دادگاه) اقدام می کند. اینکه وزارت دادگستری را بدون اختلاف طرفین در تعیین اشخاص، مستقیماً مقام ناصب بدانیم با روح دآوری سازگاری ندارد.

اعتراض به آرای دآوری، مقید و محدود به ماده ۴۸۹ ق.آ.د.م. است ولی در ماده ۲۹ هیچ نشانی از این محدودیت وجود ندارد. اقامه دعوا نسبت به رأی داور با عناوین «اعتراض» یا «بطلان» یا «ابطال» مطرح می شود و «اقامه دعوا» ظهور در دعاوی ماهوی تمام عیار دارد که ویژه نهادهای و هیئتهای قانونی است نه مرجع دآوری.

برخی از نهادهای قانونی که دآوری تلقی نمی شوند، فاقد عضو قضایی هستند و بنابراین، فقدان عضو قضایی در هیئت ماده ۲۹، نمی تواند قرینه ای بر دآوری تلقی شود. از طرفی ماهیت اختلاف موضوع ماده ۲۹ به «روابط عمومی» بین شرکتهای بیمه و صندوق به عنوان نهاد عمومی غیردولتی مربوط می شود که نوعاً خارج از شمول دآوری است. همچنین که اختلافات عمومی مانند رفع اختلاف در حوزه اصلاحات ارضی یا اصلاح سند سجلی، از شمول دآوری که ویژه روابط خصوصی است، خارج است.^{۴۸} در صورت تردید در دآوری بودن هیئت مذکور، اصل بر صلاحیت مراجع قانونی است و بر این اساس، به دلیل تردیدهای مذکور، ماهیت دآوری منتفی خواهد بود.

بند پنجم: تمایز ماده ۳۹ قانون بیمه اجباری با ماهیت دآوری

به نظر می رسد ماهیت حقوقی ارزیاب مذکور در این ماده، دآوری نباشد زیرا:

۱- اینکه تعیین داور به اختیار یکی از طرفین اختلاف باشد، خلاف ضوابط است. طرفین می توانند داور مشخصی را در زمان قرارداد یا در زمان اختلاف، برگزینند (داور مرضی الطرفین) اما اعطای اختیار تعیین داور به یکی از طرفین اختلاف، منافی وصف «ثالث» بودن است زیرا منظور از این وصف، تنها تغایر مادی و شخصیتی داور و طرفین نیست بلکه اتحاد یا تغایر عرفی مهم است و به همین دلیل نیز مدیران یک شرکت یا سازمان، با اینکه شخصیت متفاوتی دارند، حق دآوری در اختلاف شرکت یا سازمان را ندارند. مواد ۴۵۹ و ۴۶۰ قانون آیین دادرسی مدنی^{۴۹} از لزوم «ثالث» بودن مقام ناصب یاد می کند و بعید است آن را ناظر به غلبه بدانیم. درواقع، از نظر مقنن، شخصی که توسط یکی از طرفین تعیین می شود، با آن طرف، اتحاد عرفی دارد و تحقق وصف «داور» را در مورد آن شخص نمی پذیرد. همچنین مطابق بند ۴ ماده ۱۱ قانون دآوری تجاری بین المللی (۱۳۷۶): «مقام ناصب باید کلیه شرایطی را که طرفین در موافقت نامه برای تعیین داور مقرر داشته اند، رعایت کرده و استقلال و بی طرفی داور را ملحوظ کند...»؛ با این بیان، اینکه ارزیاب خسارت را داور تلقی کنیم و رسیدگی او را دآوری بدانیم، با قواعد سازگار نیست.

۲- تعرفه مستقل ارزیابی خسارت، متفاوت با تعرفه ای که قوه قضاییه برای دآوری تعیین کرده است، دلالت بر تمایز این دو دارد؛

۳- هرگاه امری صرفاً فنی و بدون تعیین راهکار حقوقی و تحلیل مسئله قانونی (اقدامی که بی گمان، قاضی و داور باید انجام دهند) به شخصی ارجاع شود، با کارشناسی مواجهیم نه دآوری. در این مورد نیز اختلاف طرفین هرگز به شرایط بیمه و تعهدات قانونی یا قراردادی

^{۴۸} خدابخشی، پیشین ص ۸۱

^{۴۹} ماده ۴۵۹: «... تعیین داور به دادگاه یا شخص ثالث نیز محول نشده باشد...»؛ ماده ۴۶۰: «... در هر موردی که انتخاب داور به شخص ثالث واگذار شده...».



مربوط نمی شود بلکه صرفاً «میزان خسارت» است و به همین دلیل نیز عبارت «ارزیاب خسارت» به کار رفته است که تأکیدی بر کارشناسی باشد.

۴- استفاده از «نظر» به جای «رای» نیز گزینه دیگری بر این استنباط است زیرا نظر به طور معمول برای کارشناس و رأی برای داور به کار می رود. همچنین استفاده از عبارت «اقامه دعوا» برخلاف عباراتی مانند بطلان رأی یا ابطال یا اعتراض که به رأی داور به عمل می آید، می تواند از قراین غیرداوری بودن باشد.

نتیجه گیری

قرارداد بیمه از دیدگاه حقوقی، قراردادی متکی بر اصول حقوقی حاکم بر همه قراردادهای است. ولی افزون بر آن، این قرارداد از لحاظ تکلیف طرفین در مقابل هم، ضمانت اجرای عدم انجام این تکالیف و اثر آن ها، با قواعد عمومی حاکم بر سایر قراردادهای متفاوت است و علت این تفاوت ها را در طبیعت خاصی قراردادهای بیمه از جمله اصول و ماهیت حقوقی آن ها می توان جست و جو کرد. یکی از موارد مهم در خصوص بیمه حل و فصل اختلافات در دعوی بیمه به طور اعم و استفاده از داوری به طور اخص می باشد. در این مورد شاهد این مسئله هستیم که استفاده از داوری در حقوق ایران در خصوص دعاوی بیمه وجود دارد و دوری نیز در کنار دادگاه ها امکان حل و فصل اختلافات بیمه ای را دارند. در بیمه نامه ها مستقیماً به مفهوم داوری اشاره نشده است ولی جمله ای تحت عنوان معرفی کارشناس از سوی هریک از طرفین در قرارداد ذکر می شود که منظور از کارشناس همان داوری در پرونده های بیمه می باشد.

نقش اصلی داوری در قرارداد بیمه، حل اختلاف میان بیمه گر و بیمه گذار است. در برخی موارد بیمه گذار باعث بروز اختلاف می شود و در مواردی دیگر بیمه گر به جهت عدم ایفای تعهد خود، عامل اصلی بروز اختلافات نیز می شود. درواقع در قرارداد بیمه هریک از طرفین وظایف مشخصی دارند و در صورتی که یکی از طرفین تعهد خود را به خوبی انجام ندهد، طرف دیگر می تواند عدم انجام تعهد وی را از مراجع صلاحیت دار پیگیری کند. داور ابتدا مفاد و موارد مندرج در بیمه نامه و اسناد و مدارک را به طور دقیق بررسی می کند. بعد از بررسی اسناد و مدارک از محل خسارت بازدید کرده و دفاعیات بیمه گزار و بیمه گر را مورد بررسی قرار می دهد. چنانچه بیمه نامه برخلاف اصول و مقررات قرارداد نویسی بین بیمه گر و بیمه گذار منعقد شده باشد، اثر حقوقی و قانونی نخواهد داشت و طرفین دوباره باید اقدام به تنظیم قرارداد بیمه نمایند.

در سال های اخیر با توجه به افزایش تعداد کارشناسان ارزیاب خسارت بیمه و همچنین شرکت های ارزیاب خسارت بیمه ای، پیشنهاد می شود ضمن انعقاد قرارداد بیمه، بیمه گر و بیمه گزار یکی از شرکت های ارزیابی خسارت یا شخص ارزیاب خسارت را به عنوان داور در قراردادهای بیمه مشخص کنند. فردی که مهارت کافی در امور بیمه نداشته باشد و طرفین وی را به عنوان داور انتخاب کنند، یقیناً نمی تواند به درستی اختلافات بیمه ای را حل و فصل کند و در صورتی که منجر به صدور رای شود، به زیان طرفین خواهد شد. چنانچه رای داور نیاز به تصحیح، تفسیر و تکمیل داشته باشد، باید این موارد به درستی انجام گیرد. در برخی موارد، داور به طور کامل پرونده های مرتبط با بیمه را مورد ارزیابی قرار نمی دهد یا رای صادره نیاز به اصلاح دارد که در وهله اول نواقص موجود در رای برطرف شده و سپس رای اصلاحی به طرفین ابلاغ می شود.

فهرست منابع

- ۱- اسدی نژاد، سید محمد، «شروع به داوری»، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۲۴، تابستان ۱۳۹۴ ص ۳۱
- ۲- بهبهانی، محمد رحیم « جایگاه نهاد داوری در حقوق ایران با رویکرد فقهی»، مبانی فقهی حقوق اسلامی، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۹۵
- ۳- پوراستاد، مجید و فاطمه حصار خانی « تحلیل اقتصادی فرایند دادرسی مدنی براساس هزینه ها»، تحقیقات آزاد حقوقی، دوره ۸، ش ۲۸ زمستان ۱۳۹۷.
- ۴- جنیدی، لعیا، قانون حاکم در داوریهای تجاری بین المللی تهران: نشر دادگستر، چاپ ۱۳۷۶
- ۵- خدابخشی، عبدالله، « مفهوم و ماهیت شیوه های حل اختلاف موضوع قانون بیمه اجباری»، پژوهشنامه بیمه، سال سی و دوم، شماره ۴ زمستان ۱۳۹۶
- ۶- خدابخشی، عبدالله، حقوق داوری و دعاوی مربوط به آن در رویه قضایی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۷
- ۷- درویشی هویدا، یاسر، شیوه های جایگزین حل و فصل اختلاف تهران: نشر میزان، ۱۳۸۱
- ۸- دهقانی، حسین، « مدیریت زمان: تسریع در دادرسی»، فصلنامه تعالی حقوق، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۹۸
- ۹- راستاد، مجتبی، بررسی اصول رسیدگی عادلانه در داوری تجاری بین المللی و پیامدهای آن، فصلنامه حقوق خصوصی، شماره ۱۲۸، تابستان ۱۳۸۷
- ۱۰- صفایی، سید حسین، سخنی چند درباره نوآوریها و نارساییهای قانون داوری تجاری بین المللی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره صفر، شماره پیاپی ۱۰۵۰ تابستان ۱۳۷۷
- ۱۱- صفایی، سیدحسین، قواعد عمومی قراردادها، تهران، میزان، ۱۳۸۷
- ۱۲- کاتوزیان، ناصر و محسن ایزانلو، الزام های خارج از قرارداد مسئولیت مدنی، بیمه مسئولیت تهران، گنج دانش. ۱۳۹۷
- ۱۳- کرمی، حامد، « تحلیل اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر ماهیت اموال عمومی»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال هفتم، زمستان ۱۳۹۷
- ۱۴- کریمی، عباس و حمید رضا پرتو « داوری پذیری دعاوی مربوط به اموال عمومی و دولتی»، فصلنامه پژوهش حقوق، سال ۱۴، ش ۳۶ تابستان ۱۳۹۱
- ۱۵- متین دفتری، احمد، مجموعه رویه قضایی -قسمت حقوقی، تهران، آثار اندیشه، چاپ نخست، ۱۳۸۱
- ۱۶- معبودی نیشابوری، محمد رضا، « داوری پذیری دعاوی بیمه با رویکرد به قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و هشتم، شماره یکصد و شصت و ششم، تابستان ۱۴۰۰
- ۱۷- نصیرپور، اشرف، « تحلیل روش های حل و فصل اختلافات در قراردادهای بیمه حمل و نقل دریایی داخلی و بین المللی»، فصلنامه علمی -حقوقی قانون یار - دوره دوم-شماره هفتم -پاییز ۱۳۹۷
- ۱۸- هرمزی، خیراله، « صلاحیت شوراهای حل اختلاف در خصوص رسیدگی به دعوای ضرر و زیان ناشی از جرم»، فصلنامه تحقیقات حقوقی شماره ۹۲، تابستان ۱۳۹۸

The effect of arbitration in the settlement of insurance disputes and its limitations

First Author: Shiva Arabi

Affiliation: Master's degree in private law, Islamic Azad University, Marvdasht branch

Abstract

The issue and position of arbitration in insurance is one of the most basic issues of insurance. The concept of arbitration is not directly mentioned in the insurance policies, but a sentence under the title "introduction of the expert" is mentioned by each of the parties in the contract, which means that the expert is the same as arbitration in insurance cases. The main role of arbitration in the insurance contract is Resolving disputes between the insurer and the insured. In some cases, the insurer causes disputes, and in other cases, the insurer becomes the main cause of disputes due to non-fulfillment of its obligations. In fact, in the insurance contract, each of the parties has specific duties and if one of the parties does not fulfill his obligation well, the other party can follow up the non-fulfillment of his obligation from the competent authorities. First, the arbitrator carefully examines the provisions and items contained in the insurance policy and documents. After reviewing the documents, he visits the place of damage and examines the defenses of the insured and the insurer. If the insurance policy is concluded against the principles and regulations of contract writing between the insurer and the policyholder, it will not have any legal effect and the parties have to prepare the insurance contract again. The parties to the dispute must choose a person as an arbitrator who has the authority to handle insurance cases and is an expert in insurance matters. In this article, the impact of arbitration in the settlement of insurance disputes and its limitations has been discussed using a descriptive-analytical method.

Keywords: Arbitration, insurance, insurance claim, compensation.